

حقیقت

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی
فیلم مستند ایران / سینما حقیقت - شماره ششم - جمعه ۱۴ آذر ماه ۱۳۹۳

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY
FILM FESTIVAL.No.6.FRI,5TH DEC.2014



دیدار با استاد

نشست صمیمانه
همراه با محمدرضا اصلانی

کات 6 CUT

پرونده امروز
بررسی سینمای هانیکمان

حقیقت انسانی



مهمانان محبوب

منصور ضابطیان و حبیب رضایی
همراه دیروز نشریه روزانه



در آرزوی آشنایی بی واسطه

گپی با آن تومه برنامه ریز
جشنواره فیلم مستند مونیخ

15

فیلم مستند نمایش حقایق نیست

احمد ضابطی چهرمی

6 داور بخش مسابقه ملی عنوان کرد

روایت های منتقدانه زندگی از تهران تا تایلند

گزارشی از جلسات نقد و بررسی
فیلم های روز پنجم

15

تعطیلات شلوغ!

سینماحقیقت پایان هفته داغی را سپری می کند



فلاور جانی هم مخاطبان بسیاری را به سالن اصلی فلسطین کشاند. اما داستان فیلم‌های پرمخاطب روز پنجم به اینجا ختم نشد و در سانس ساعت ۲۰ و با رونمایی هم زمان از دو فیلم «آت لان» ساخته معین کریم‌الدین و «سیاهان جنوب ایران» از فرهاد وهرام در سالن اصلی رکورد میزان تماشاگر در سالن اصلی جابه‌جا شد. پس از آن و در سانس پایانی هم نوبت به «هالی خیابان یکطرفه» ساخته مهدی باقری و «ن بی در دسر» اثر یلدا قشقایی رسید که شور جشنواره را به سالن شماره دو فلسطین ببرند.

حرف‌های درگوشی

در کنار متن رویدادهای روز پنجم اما به واسطه نزدیکی شدن به روزهای پایانی در میان گپ و گفت‌های دوستانه مستندسازان می‌شد زمزمه‌هایی درباره سرانجام جشنواره و فیلم‌های برگزیده نیز به گوش می‌رسید. گمانه‌زنی‌هایی که احتمالاً خیلی زود و با اعلام رسمی نامزدها اندکی جدی‌تر هم خواهد شد. این روزها پاسخ این سوال مشتریان بسیاری دارد؛ برگزیدگان هشتمین جشنواره سینماحقیقت چه کسانی هستند؟

«آیین سینما رفتن» و «تعطیلات آخر هفته» قرابتی دیرپا با هم دارند و با همین استدلال قابل پیش‌بینی بود که سینماهای فلسطین و سپیده دیروز و امروز حال و هوای ویژه‌تری داشته باشند. دیروز اما تنها به واسطه استقبال ویژه مخاطبان روز متفاوتی نبود؛ دیروز از نظر ترکیب فیلم‌های اکران شده در سینما فلسطین هم یکی از روزهای ویژه جشنواره بود روزی که صدای تشویق ممتد حضار به افتخار فیلم‌های به نمایش درآمده؛ چندین بار در فضای کاخ جشنواره پیچید.

بوی خوش زندگی

اگر چه نیمه نخست روز پنجم جشنواره حال و هوایی مشابه روزهای قبل داشت اما از سانس ساعت ۱۶ و با اکران مستند تحسین شده «جایی برای زندگی» ساخته محسن استادعلی تنور جشنواره حسابی داغ شد. این فیلم که پیش‌تر در جشنواره فیلم فجر رونمایی شده بود این بار در بخش ملی جشنواره سینماحقیقت به رقابت با دیگر آثار آمده است. پس از این مستند اما نوبت به مستند دست اولی رسید که آیین رونمایی‌اش با حضور دبیر جشنواره برگزار شد. مستند «لاک پشت و لک‌لک» ساخته محمود کیانی

رونمایی از لاک پشت و لک‌لک در فلسطین

محمود کیانی فلاور جانی و محمد آفریده در مراسم رونمایی این فیلم حاضر شدند



رونمایی از مستند «لاک پشت و لک‌لک» با حضور کارگردان این فیلم محمود کیانی فلاور جانی و محمد آفریده، مشاور و ناظر کیفی پروژه در سالن یک سینما فلسطین و در حضور دبیر جشنواره سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد برگزار شد. در این مراسم فلاور جانی طی سخنانی گفت: چیز زیادی برای گفتن ندارم. این فیلم در ارتباط با محیط زیست است. اگر کمی دقت داشته باشیم متوجه خواهیم شد که گونه‌های مختلف در محیط زیست در حال نابود شدن و از بین رفتن هستند. وی در ادامه با لحنی طنزآمیز گفت: ساخت این فیلم مستند تقریباً دو سال طول کشید چرا که در آذر ماه هوا سرد است و لاک پشت‌ها می‌خوانند تابستان

هم خیلی گرم است و حال کار کردن ندارند! او همچنین گفت: زمانی که این فیلم را به دبیر جشنواره نشان دادم تصمیم گرفت برای این فیلم در جشنواره برنامه‌ریزی تر تیب دهد و من از این بابت از مرکز گسترش تشکر می‌کنم. حدود ۲۶ سال است که فیلم مستند می‌سازم و بیشتر ساخته‌هایم به محیط زیست مربوط می‌شود. «فلاور جانی گفت: «اولین دیدار من با محمد آفریده بر می‌گردد به زمانی که اولین فیلمم را که تیتراژ نداشت به عده‌ای نشان دادم و مورد خنده آن‌ها قرار گرفتم اما آفریده با دیدن این فیلم برای آن تیتراژ ساخت و آن را نمایش داد.» در ادامه این رونمایی محمد آفریده هم در سخنان کوتاهی گفت: «برگزاری جشنواره در شرایطی که برخی از کاه کوه می‌سازند کار سختی است و من به دوستان خسته نباشید می‌گویم. محمود کیانی فلاور جانی فردی است که با دیدن اولین فیلمش تعجب کردم. سوژه‌های او بسیار جذاب هستند. از همان زمان ارتباط بین ما همیشه برقرار بوده است. آرزو مندم این تلاش و حرکت نیز در بین فیلمسازان دیگر وجود داشته باشد.»

مکاشفه‌ای است در پس هر مستند

رسیدن بیش از ۱۲ هزار دقیقه فیلم در بخش نیمه‌بلند، نشان‌دهنده استقبال فیلمسازان از جشنواره حقیقت است و بیانگر شور و عشق و علاقه‌ای که برای ساخت فیلم مستند به عنوان یک مدیوم تاثیرگذار به وجود آمده. این اتفاق از سویی مایه مبارکی و تهنیت است و از سویی مسئولیت‌مدیریت کلان مستند را دوچندان می‌کند که در زمینه آموزش، امنیت شغلی و بحث اکران فیلم مستند نگاه جدی‌تری داشته باشد. برای من که سینمای مستند همواره مسئله‌ام بوده، دیدن فیلم مستند همیشه تجربه خوبی است؛ چرا که فرصتی برای دوباره دیدن دنیا، دوباره دیدن رنج‌ها، شادی‌ها، امیدها و تاریخ یک ملت و تلاش برای بازنمایی آن و تلاش برای بهبود اوضاع و انسانی‌تر کردن جهان در ایده‌آل‌ترین شکل ممکن آن است. هیچ مستندی برایم بهترین یا بدترین نیست و همیشه مکاشفه‌ای در پس هر مستند موج می‌زند! اما نکته‌ای که برایم بسیار اهمیت دارد، چگونه دیدن است! اینکه موضوع فیلمساز در باره دنیایی که قرار است به ما نشان دهد چیست؟ مستندساز چه حرفی برای گفتن دارد و چه موضعی را در ارتباط با سوژه در نظر گرفته و برایمان روایت می‌کند؟ منظوم نگاه فیلمساز است و شکلی که برای بیان آن برگزیده؟

صادقانه بگویم با وجود فیلم‌های خوب و موثری که در بخش نیمه‌بلند دیدیم (که از موضوع، ساختار روایی و نگاه موشکافانه مستندسازش بهره‌مند بودند) متأسفانه خیلی از فیلم‌ها سطح قابل قبولی نداشتند.

شاید بشود کارگاه‌های آموزشی، دیدن مداوم فیلم‌های مستند، خواندن و تجربه کردن را راهکاری دانست برای ارتقای بیشتر فیلم مستند. همیشه بهترین راه برای ساختن فیلم‌های خوب بعدی، همین دیدن‌ها، خواندن‌ها و تجربه کردن‌هاست.

سعی کردیم در میان آثار موجود با وجود تشابه و اختلاف‌نظرها، با احترام به نظر یکدیگر به اجماع دست پیدا کنیم؛ طبعاً در این میان فیلم‌های خوبی بود که دوست داشتیم و انتخاب شدند. فیلم‌هایی هم هستند که می‌توانستند ولی انتخاب نشدند. با این حال مستندسازان بهتر از هر کسی می‌دانند فیلم خوب را همواره همیشه بازمی‌کند.

امیدوارم با بهبود فضای تولید، تخصیص بودجه و پخش و اکران مستند، فضای مستندسازی مستند از رخوت به درآید و هر روز رو به ارتقا باشد؛ فضایی رو به رشد با همراهی فیلمسازان، مدرسان و مدیران سینمای مستند کنار هم. آرزوی عجیبی نیست؛ هست؟



آزاده نجار گیتی

عضو هیات انتخاب بخش نیمه‌بلند جشنواره حقیقت



تجربه‌های عزیز

کم نیستند اسائیدی که حضورشان در بزم سینمای مستند ما به مباحثات و بهانه‌های برای انتقال تجربیات گرانسنگشان به نسل جوان تر است. این روزها گدده‌های مستندسازان در جشنواره سینماحقیقت بیشتر با محوریت یکی از این اسائید شکل می‌گیرد و اینگونه است که حاشیه جشنواره هم تبدیل به متنی پر بار و غنی شده است. محمدرضا اصلانی یکی از همین نام‌آوران سینمای مستند است که دیروز طبق برنامه واحد تحقیقات و پژوهش مرکز گسترش مهمان برنامه گفت‌وگوهای صمیمانه با کارشناسان و مستندسازان بود.

بسته پیشنهادی



«چه خبر؟» این سوال اگر چه یکی از تکه کلام‌های مرسوم در گفت‌وگوهای کوتاه ما ایرانی‌هاست اما در روزهای داغ برگزاری یک جشنواره پر خبر می‌تواند معنای جدی‌تری پیدا کند. حالا تصور کنید که جشنواره هشتم سینماحقیقت از نیمه هم گذشته و آرام‌آرام عطش اطلاع از اخباری مانند نتایج داوری و برگزیدگان آیین اختتامیه سیر صعودی پیدا کرده است! خیالتان راحت؛ دست اول‌ترین اخبار جشنواره حاصل زحمت ستاد خبری جشنواره است که هر روز تازه‌ترین‌های آن را روی سایت سینماحقیقت قرار می‌دهند. آدرس cinematajrobi.ir قرار می‌دهند. با سرزدن روزانه به این سایت البته می‌توانید در کنار اخبار به نقد و تحلیل آثار به نمایش درآمده در جشنواره هم دسترسی داشته باشید. مضاف بر اینکه برترین مطالب خواندنی همین نشریه روزانه جشنواره را هم هر روز می‌توانید در این سایت مشاهده کنید. سایت «سینما خبری» را از این نظر می‌توان کامل‌ترین بسته خبری - تحلیلی آنلاین پیرامون هشتمین جشنواره «سینماحقیقت» دانست.

اتفاق روز

روزهای گرم سپیده

مرکزیت سینما فلسطین باعث شده تا اکثر اخبار و رویدادها درباره «سینماحقیقت» با نام این سینما گره بخورد اما سینما سپیده هم این روزها میزبان بخشی از مخاطبان «سینماحقیقت» است. اتفاقاً فیلمسازان و مخاطبان استقبال خوبی از اکران آثار در این سینما داشته‌اند. تا جایی که رئیس سازمان سینمایی حجت‌اله ایوبی هم روز گذشته نقطه آغاز دیدار خود از جشنواره هشتم را سینما سپیده قرار داد. اگر گذر تان به این سینما افتاده باشد حتماً دیده‌اید که در گوشه‌های از فضای عمومی لابی اصلی سینما میز و صندلی‌هایی چیده شده تا مستندسازان فضایی برای گدده‌های حرفه‌ای خود داشته باشند. اتفاقاً عکاسان رسانه‌های خبری هم به دنبال شکار لحظه‌های ناب از همین گدده‌ها هستند. شاید شکار حاشیه‌های جذاب از جشنواره برای مخاطبان هم دیدنی تر باشد. برخی از خبرنگاران در همین سینما بساط ارسال اخبار و گزارش خود را پهن کرده‌اند و برخی دیگر با کارگردانان حاضر در سالن با فراغت کامل از شلوغی معمول سینما فلسطین، به گفت‌وگو نشست‌اند و تلاش می‌کنند تیتروهای جذابی را از میان گفته‌های مستندسازان شکار کنند. در مجموع در آخرین روزهای سرد پاییز این روزها شور و حال «سینماحقیقت» سالن‌های «سپیده» را هم حسابی گرم کرده است.

جشنواره در جشنواره



پیش‌تر در همین صفحه خبری داشتیم از حضور نمایندگان جشنواره‌های معتبر جهانی برای تعامل و آشنایی بیشتر فیلمسازان حاضر در «سینماحقیقت» با این جشنواره‌ها. بد نیست بدانید جشنواره‌های داخلی هم از این فرصت غافل نبوده‌اند. حوزه هنری به عنوان متولی برگزاری دو جشنواره فیلم کوتاه «رویش» و «فیلم ۱۰۰» در ایام برگزاری جشنواره غرفه‌ای را برای معرفی این دو رویداد به مهمانان سینماحقیقت اختصاص داده است. این دو جشنواره البته پس از چند دوره برگزاری هم زمان از سال گذشته به صورت یک سال در میان برگزار می‌شوند و امسال نوبت برگزاری جشنواره فیلم ۱۰۰ است که عرصه رقابت فیلم‌های با زمان کمتر از ۱۰۰ ثانیه است. علاقه‌مندان به این جشنواره و فیلمسازی که احتمالاً آثاری متناسب با این رویداد دارند می‌توانند با حضور در لابی طبقه سوم سینما فلسطین و در غرفه اختصاصی این دو جشنواره اطلاعات خود را در این زمینه تکمیل کنند.

خبر روز



دکتر احمد الستی سلام دکتر

بر خلاف سال گذشته امکان حضورش در کارگاه‌های تخصصی فراهم نشد اما فرصت دیدار با او در ساعت ۱۹:۳۰ امروز از دست ندهید.



محمد علی طالبی ملاقات با ننه حسن

اگر فرصت تماشای مستند تازه محمد علی طالبی را از دست دادید، امروز ساعت ۲۲ در سینما سپیده «ننه حسن» منتظر شماست.



فتح‌اله امیری به دنبال حیات

با «پلنگ ایرانی» شناخته شد. می‌توانید «حیات در رگ‌های سرد» او را امروز ۲۱:۴۵ در فلسطین سه ببینید.



روایت‌های منتقدانه زندگی از تهران تا تایلند

مهمترین مستندهای ایرانی و خارجی در پنجمین شب نقد و بررسی سینما حقیقت با حضور کارگردانان این آثار و منتقدین برگزار شد
 ■ مجری کارشناس: شاهین امین ■ منتقد: احمد طالبی نژاد ■ مترجم: بهمن نورایی

زمانی که پرنده شدم

■ موضوع مستند: زندگی بدوی در یک روستا
 ■ کارگردان: مونیکا پاولوچوک

روایت فیلمساز از حضور در جمع اهالی بدوی یک روستا. او می‌گوید مهم‌ترین چیزی که به آنها دادیم تا با ما همراه شوند «توجه» بود. حاصل این توجه فیلم مستند تاثیرگذار «زمانی که پرنده بودم» شد.

■ **مونیکا پاولوچوک:** در لهستان اینگونه نیست که منتقدی درباره فیلم من صحبت کند و تنها به آن نمره می‌دهند و به همین دلیل نشستند در این جلسه برای من تجربه‌ای خیلی جالب است. چندتایی فیلم ایرانی دیده‌ام البته بدون زیرنویس! اما یک فیلم ۱۰ دقیقه‌ای از یک فیلمساز ایرانی دیدم که بدون دیالوگ واقعا بی نظیر بود. قصه ساخت فیلم من خیلی طولانی و شخصی است. از من خواسته شد یک فیلم تلویزیونی درباره تایلند بسازم اما سوژه‌ای پیدا نکردم و استعفا دادم. در همین دوره اما با کاپایی‌ها آشنا شدم و عاشق فرهنگ آنها شدم و به گونه‌ای هیپنوتیزم شدم. فیلم من درباره یک زن بود که شاید حتی برای عوامل فیلم من هم جالب نبود.

■ **احمد طالبی نژاد:** فیلم ایشان خیلی شبیه مستندهای اجتماعی خود ما درباره مناطق محروم به خصوص با محوریت زن است. شخصیت اصلی ۱۲ بار وضع حمل کرده، چهار نفر مرده و باقی اطرافش نیستند و او مجبور است در جامعه‌ای کاملاً بدوی زندگی بگذراند. فیلمساز برای همذات‌پنداری در همان ابتدا پرنده‌ای را نشان می‌دهد که پایش بسته است و اندازه پرواز محدودی دارد. این پرنده نشانه‌ای تکراری است و ای کاش از نماد دیگری استفاده می‌شد اما یک لحظه بدیع و به شدت زیبا در پایان فیلم هست که زن بالنی را روشن می‌کند و در شب به آسمان می‌فرستند. این من را به یاد آیین سرخ‌پوست‌ها انداخت که با آتش به هم ارتباط برقرار می‌کردند. گویی این زن دارد به جهان اعلام موجودیت می‌کند. فیلم نورپردازی و دکوپاژ مناسبی دارد، دوربین جای درستی قرار دارد اما به دلیل سوژه شاید فیلم برای ما ایرانی‌ها تازه نباشد.

در فاصله دو کوچ

■ موضوع مستند: پرتره یک شاعر ارمنی
 ■ کارگردان: روبرت صافاریان

منتقد و روزنامه‌نگار با سابقه در ادامه تجربه‌های خود در عرصه مستندسازی با مستندی پیرامون یک شاعر ارمنی به جشنواره هشتم آمده است که روایتی گیرا از تنهایی‌های این شاعر دارد.

■ **روبرت صافاریان:** فیلم درباره یک شاعر ارمنی است. از این منظر یک مستند پرتره است اما از ورای زندگی ایشان درباره جامعه ارمنه ایران و مهاجرت هم بحث می‌شود چرا که جامعه ارمنه ایران همواره در آستانه مهاجرت بوده‌اند. در سه دهه گذشته پس از انقلاب، جمعیت ارمنه ایران به یک پنجم کاهش یافته اما حتی یک گزارش مطبوعاتی درباره آن منتشر نشده است چرا که اصولاً جامعه ایرانی علاقه‌ای به پرداختن به موضوع اقوام و اقلیت‌ها ندارد. در عین حال گفتمان تعارف‌آمیزی درباره اقلیت‌ها به خصوص ارمنه وجود دارد که خوشبختانه گفتمان مثبتی است اما همین گفتمان تبدیل به وسیله‌ای برای نشان دادن شده است. قصد من از ساخت این فیلم پرداختن به یک شخصیت ارمنی بود که شاعری بزرگ اما ناشناخته است. فیلم برای مخاطب غیرارمنی ساخته شده تا اتفاقاتی که در جامعه ارمنه رخ می‌دهد و ارمنی‌ها دوست ندارند درباره آن صحبت کنند، گفته شود.

■ **احمد طالبی نژاد:** نمی‌دانستم روبرت تا این اندازه خوش سخن است! او بیشتر منتقد است تا فیلمساز. فیلم روبرت یک فیلم پرتره است اما حسن آن این است که فراتر از این قرار می‌گیرد. با وجودی که کم و بیش در جریان زندگی ارمنه بودام فیلم اطلاعاتی تازه به من داد. در فیلم ما با انسانی روبه‌رو هستیم که در جهان تنهایی خود سعی می‌کند افکارش را بازتاب دهد. اصلاً هم نگاه قومیتی و عقاید دینی را مدنظر ندارد و از نگاه انسانی به این وضعیت می‌پردازد و این شاعر همانطور که اسمش آزاد است، انسانی آزاده است. فیلم تصویر جامعی از یک ارمنی می‌دهد که از طریق آن می‌توان با جامعه ارمنه آشنا تر شد.

جایی برای زندگی

■ موضوع مستند: زندگی مردان در پانسینون
 ■ کارگردان: محسن استادعلی

یکی از فیلم‌های تاثیرگذار روز پنجم جشنواره مستند «جایی برای زندگی» بود که پیشتر در بخش در جشنواره فیلم فجر را تجربه کرده بود و حالا به دل مخاطبان «سینما حقیقت» هم خوش نشسته است.

■ **محسن استادعلی:** یکی از عوامل فیلم اقوامشان مالک این خوابگاه بود و در گفت‌وگوها دیدیم که می‌توان وارد این فضا شد و مسئول آنجا هم پذیرفت و در یک بازه زمانی ۱۲ ماهه به آنجا رفت و آمد داشتیم. این فیلم در واقع می‌تواند بخشی از یک سه‌گانه درباره مردان تنها، زنان تنها و کودکان تنها در تهران باشد. وجه مشترک سه فیلم هم موقعیت زندگی این آدم‌هاست. سعی بنده در تمام کارهایم این بوده که در فرآیند پیش از شروع فیلمبرداری آنقدر به کاراکترها نزدیک شوم که به رفت و آمدهای ما کاملاً عادت کنند که این فرآیند یک پروسه یک روزه یک هفته‌ای و یا یک ماهه نیست.

■ **طالبی نژاد:** محسن استادعلی سال‌ها پیش هنرجوی بنده بود و از همان موقع احساس می‌کردم نگاه ویژه‌ای در سینمای مستند دارد. امیدوارم هرگز هوای سینمای داستانی به سرش نزنند چرا که با همین چند فیلم هویتی به دست آورده که حیفاست قربانی سینمای داستانی شود. البته این فیلم شاید بهترین فیلم استادعلی نباشد. فیلم قبلی او عادت می‌کنیم یکی از تکان‌دهنده‌ترین آثار مستندی است که بنده دیده‌ام. ویژگی مهم ایشان در کارهایشان حذف دوربین است. به گونه‌ای وارد حریم‌های بسته می‌شود که انگار دوربینی وجود ندارد و افراد بدون مقاومت هر چه دارند بیرون می‌ریزند و چیزهایی از خود می‌گویند که شاید به خانواده هم نگویند. این شگرد استادعلی است که می‌تواند اعتماد آدم‌ها را جلب کند. به خصوص در مقوله آسیب‌های اجتماعی غالباً افراد به گونه‌ای حرکت می‌کنند که ترجمه برانگیز باشند اما در آثار استادعلی اصلاً اینگونه نیست.



سینما به سبک ایرانی

کتاب برادران عبدالعلی زاده نگاهی از بیرون به خانواده سینما دارد
این کتاب در پنجمین روز جشنواره رونمایی شد

علی اکبر دهبانی

Dehban.cinema@gmail.com

■ نام کتاب: سینما و جهان ایرانی

■ تألیف: علی اکبر و عباس عبدالعلی زاده

■ مهمانان: علی اکبر و عباس عبدالعلی زاده، سید احمد محیط طباطبایی، شاهین امین
رونمایی از کتاب «سینما و جهان ایرانی» آخرین برنامه ویژه رونمایی از آثار تازه دفتر تحقیقات و پژوهش مرکز گسترش بود که شب گذشته در سینما فلسطین برگزار شد. در این نشست عباس عبدالعلی زاده بسیار ساکت بود و تنها یک جمله گفت و باقی بحث را به برادرش واگذار کرد.

ایوبی بود که طرح کردند مجموعه فیلمی درباره جهان ایرانی تولید شود اما بعد به این جمع بندی رسیدیم که ابتدا از ریشه بحث را پی بگیریم و بعد نتایج به دست آمده را نسبت به سینما بررسی کنیم. هدف این بود که شاید از دل این گفت و گوهای شفاهی سوژه‌هایی برای تولید آثار مستند و داستانی در اختیار فیلمسازان قرار بگیرد. که این اتفاق در واقع افتاده و امروز در هر یک از این گفت و گوها می‌توانید شاهد ۷ یا ۸ ایده بکر برای فیلمسازی نهفته است.

■ شاهین امین: کتاب «سینما در جهان ایرانی» تألیف دو برادر خیلی جدی و عزیز است که در عرصه‌های مختلف کار فرهنگی کار کرده‌اند. مطبوعات، تئاتر، کارگردانی تله تئاتر، تألیف چهار کتاب و خیلی موارد دیگر در کارنامه آنها هست و همواره یکی از دغدغه‌هایشان جهان ایرانی است. جهان فرهنگ ایرانی که بسیار گسترده‌تر از مرزهای جغرافیایی امروز ایران است.

■ احمد محیط طباطبایی: باید تشکر کرد از مسئولان مرکز گسترش سینمای مستند و جشنواره سینماحقیقت که به بهانه جشنواره این بخش جنبی رونمایی کتاب را که در واقع بخش اصلی است برگزار می‌کنند. این قبیل برنامه‌ها تمایز سینمای مستند با انواع دیگر سینما و حتی تمایز جشنواره سینماحقیقت را با دیگر جشنواره‌ها هم مشخص می‌کند. سینمای مستند سینمایی است که می‌توان به دستاوردهایش استناد کرد. به همین دلیل این سینما یک پشتوانه بزرگ پژوهشی است. ان شاء الله از این به بعد تبدیل به یک سنت در جشنواره سینماحقیقت شود. توفیق داشتم در چند روز کل این کتاب را مطالعه کنم. از روی فرم و دسته‌بندی ابتدا احساس می‌کنید با مجموعه مصاحبه‌ای مانند ویژه‌نامه‌های ژورنالیستی مواجه هستید، اما وقتی کتاب را می‌خوانید و با توجه کیفیت تدوین آقایان عبدالعلی زاده با خواهید دید که با یک کتاب کاملاً جامع درباره مفهوم جهان ایرانی مواجه هستید.

■ عباس عبدالعلی زاده: ایده اولیه این کتاب در حکم جرقه‌ای بود که حالا تبدیل به شعله یک کبریت شده است و حالا بسته به سینماگران است که با این کبریت شمع روشن کنند یا مشعلی بزرگ.

■ علی اکبر عبدالعلی زاده: واقعا ذوق زده شدم از صحبت‌های استاد محیط طباطبایی. نظر اولیه برای آقای

Critical View to Life

The review meeting of the fifth day was held by the presence of Shahin Amin, Mohsen Ostad Ali, Ahmad Talebi Nejad, Robert Safarian, Kristof Kovacs and Monika Pawluczuk. During these sittings, four films were reviewed including 'A Place to Live', 'Between Two Emigrations', 'Men with Balls' and 'When I Am a Bird'. The first one had already been shown at Fajr Film Festival and once again it was well-received by the audiences of Cinema Verite. "This film is in fact one part of a trilogy about lonely men, lonely women and lonely children", the director said.

مردان و توپ‌ها

■ موضوع مستند: روایت زندگی روستایی در مجارستان

■ کارگردان: کریستف کواج

یک فیلم منتقدانه از سینمای مستند مجارستان درباره روستایی در جنوب این کشور که زندگی به طور کامل در آن را کد است و قرار است ورزش تنیس، شرایط مردم آن را احیا کند.

■ کریستف کواج: فیلم من درباره یک روستای دورافتاده در جنوب مجارستان است. نکته آماری عجیب این روستا ۹۰ درصد بیکاری ساکنانش است! مردان این روستا کاملاً بیکار هستند و صبح تا شب در کافه‌ها مشغول گپ و گفتند. حتی سیستم نوری این شهر هم برای ۵۰ سال پیش بود و هیچ تحرکی نداشتند. تا اینکه شهردار اجازه احداث زمین تنیس از اتحادیه اروپا را در راستای یک طرح تحول اقتصادی می‌گیرد.

روستائیان امان‌نسبت به این طرح کاملاً بدبین بودند. من در اخبار خیر ساخت این زمین را شنیدم و باز خورد رسانه‌ها کاملاً منفی بود که در شهری با این فقر چرا باید ورزش به این گرانی به راه انداخت. احساس کردم باید اقدامی انجام شود تا این شرایط اصلاح شود. البته هنوز شرایط این روستا تغییری نکرده است.

■ احمد طالبی نژاد: فیلم می‌توانست یک گزارش صرف باشد اما خوشبختانه از این سطح بالا رفته و لحظه‌های خوبی دارد. هر چند لحظه‌های اضافه دارد. ما داستان جامعه‌ای را می‌بینیم که ۴۵ خانوار دارد که ۹۰ درصد آن بیکار هستند و مردان و زنان دچار چاقی! فردی توصیه می‌کند که برای پویایی باید ورزش تنیس را اشاعه داد.

اما ما هم می‌دانیم تنیس ورزش پولدارها است. شاید اگر فوتبال بود استقبال بیشتری از آن می‌شد. اهالی از این طرح استقبال می‌کنند اما به محض مصدومیت مربی به طور کامل از آن دل می‌کنند! فیلم جزئیات خوبی دارد که ما را به زندگی کولی‌ها در مجارستان آشنا می‌کند.



فیلم مستند نمایش حقایق نیست

احمد ضابطی جهرمی، داور بخش مسابقه ملی جشنواره سینما حقیقت از کیفیت فیلم‌های امسال، نقاط قوت و ضعف آن‌ها و وضعیت سینمای مستند گفته است

شیمایانتظاری مقدم

shima.entezaril@gmail.com

احمد ضابطی جهرمی یکی از وزنه‌های مهم سینمای مستند است. تاثیر تالیف‌های گوناگون او در این حوزه بر کسی پوشیده نیست و کتاب‌هایش سالیان درازی است به عنوان مرجعی قابل اتکا مورد استفاده همگان قرار می‌گیرد. با ضابطی جهرمی که در جشنواره هشتم مسئولیت داور فیلم‌های بخش مسابقه سینما حقیقت را برعهده داشته درباره کیفیت فیلم‌های این دوره و وضعیت کلی سینمای مستند گفت‌وگو کرده‌ایم که حاصلش پیش روی شما است. او اما از مستند خود نام نمی‌برد و می‌گوید: «این را قبل از اعلام نتایج داور می‌توانم بگویم. چون ممکن است این تصور را ایجاد کند که دلیل موضوعی باعث جلب نظر من شده است، در حالی که این گونه نیست.»

آثار رسیده به جشنواره امسال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پس از تماشای آثار ارائه شده به بخش مسابقه ملی، بنا به اعتقاد من مستند بلند رشد کیفی قابل توجهی داشته ولی مستندهای کوتاه بسیار ضعیف و ناتوان بودند. این در شرایطی است که فیلم مستند به عنوان یک مدیوم کوتاه معرفی می‌شود. برای من جالب است در زمینه‌ای که تجربه تولید کمتری داشتیم، توفیق بیشتری، به عکس در زمینه‌ای که تجربه والایی داشتیم، ضعف و کاستی کیفی آشکار بود.

علت تفاوت کیفی این دو بخش را در چه می‌دانید؟

در مقایسه و به طور نسبی باید بگویم در بخش مستند بلند، افراد تجربه و بختگی نسبی داشتند اما مستند کوتاه را افراد خام‌دست و آماتور ساخته بودند. کسی که مستند بلند می‌سازد باید در مجموع آمادگی لازم را داشته باشد، چرا که فیلم‌های مستند فاقد داستان‌اند و باید یک تکیه‌گاه روایی داشته باشند. موضوعی که فیلمساز انتخاب می‌کند باید ظرفیت تحلیل و توصیف گسترده را داشته باشد. کار هر کسی ساخت مستند بلند نیست. بنابراین جمع افراد باتجربه در تولید حرفه‌ای مستند، زمینه ساخت آثار قابل قبولی در مستند بلند را فراهم کرد. دلیل برتری کیفی نیز همین است. سهل گرفتن و دسترسی آسان به تکنولوژی تولید فیلم مهم‌ترین عامل ضعف مستندسازان است.

وضعیت تحقیق و پژوهش آثار حاضر در بخش مسابقه ملی چگونه است؟

در مستندهای بلند و نیمه‌بلند رشد کیفی تحقیق محسوس است. اما در مستندهای کوتاه، نه فقط ساختاری تکنیک بلکه ضعف پژوهشی هم دیده می‌شود. این عرصه، عرصه سواد است و تحقیق. کسی که در این زمینه ضعف دارد نمی‌تواند مستند خوبی بسازد.

کمی هم درباره مضامین به کار رفته در آثار حاضر در بخش مسابقه ملی توضیح دهید.

تنوع رنگارنگی از مضامین مختلف در بخش مستند بلند دیده می‌شود؛ از مضامین اجتماعی، تاریخی تا طبیعت ایران و امثالهم. اما بیشتر مستند بلند ما به مضامین فرهنگی و ملی، تاریخی یا طبیعت ایران می‌پردازند. برخلاف آن، در مستند کوتاه مضامین اجتماعی بسیاری داریم. در مستندهای نیمه بلند هم رشد مضامین اجتماعی روز بخصوص ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی دیده می‌شود.

با این تفاسیر، وضعیت مستندسازان ایرانی را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مستندسازان ایرانی بخصوص جوانان در معرض آسیب‌های بسیاری قرار دارند. فناوری سهل تولید فیلم این تصور را پیش آورده است که با کپی از واقعیت، فیلم مستند ساختند؛ در حالی که نمایش حقایق، فیلم مستند نیست. مراتب و ضوابط دیگری لازم است تا با افزوده شدن به واقعیت، فیلم مستند شکل بگیرد. با این تعریف، بسیاری از آثار از حیطه مستند خارج می‌شوند. فیلم‌ها واقعیت‌نما بودند، نه مستند و دکومانتر. بسیاری از فیلم‌ها از مرحله جنینی و اولیه خود خارج نشده و رشد نکرده بودند. فیلمساز باید از این مرحله فراتر رفته و با پردازش دست‌مایه اولیه و تغییر شکل آن، اثر مستند را خلق کند. این گزند کلی برای همه بخش‌های جشنواره بخصوص بخش کوتاه است.

به نظر شما دلیل آن چیست؟

بسیاری از مستندسازان نمی‌دانند چگونه فیلمبرداری کنند. با مبانی اولیه فیلمبرداری، تدوین، نور، رنگ، صدا آشنا نیستند. اگر مسئله ثبت واقعیت ملاک باشد، دوربین بانک‌ها، فروشگاه‌ها و پلیس نیز همواره واقعیت را ثبت می‌کنند.

در واقع مستندساز باید فیلمنامه ذهنی از موضوع داشته باشد و بر اساس آن، گام به گام حرکت کند.

نگوییم فیلمنامه ذهنی، بگوییم ایماژ ذهنی؛ یک صورت خیال و تصویر ذهنی از واقعیت. مستندساز ضمن حفظ حقیقت، نباید به تحریف و جعل آن بپردازد. مستندساز باید به اثر خود فرم دهد. در صورتی که فرم هنرمندانه و خلاق باشد، می‌توان گفت فیلم مستند بازنمایی خلاق یک امر واقع است. با این دیدگاه، بسیاری از آثار ارائه شده به جشنواره، از این واقعیت بیرون‌اند؛ فیلم‌های واقعیت‌نمایند تا مستند خلاق.

اصل مطلب

با موبایل هم می‌توان مستند ساخت

با موبایل هم می‌شود فیلم مستند ساخت و با دوربین ۷۰ یا ۳۵ میلی‌متری هم می‌توان فیلمی ساخت که مستند نباشد. برداشت ما از مفهوم مستند اشتباه است نه وسیله کار ما. مستند به یک مجموعه شرایط زیبایی‌شناسی هم نیاز دارد که خیلی از آثار ارائه شده به جشنواره حقیقت فاقد آن هستند. مستند فرمی در هنر سینما با دستمایه اصلی واقعیت است. شکلی که در نهایت از مستند به نمایش در می‌آید با واقعیت اولیه و طبیعی آن متفاوت است و بازنمایی‌های بسیاری در آن انجام شده است.

مهمانان محبوب

گپ و گفتی با حبیب رضایی و منصور ضابطیان که همزمان در پنجمین روز جشنواره سینما حقیقت مهمان نشریه روزانه بودند

محمدصادق شایسته

Mshayesteh84@gmail.com

حبیب رضایی به دعوت نشریه روزانه مهمان جشنواره سینما حقیقت شد. اما چرا به سراغ او رفتیم؟ او از علاقه‌مندان پر و پاقرص سینمای مستند است و در پس‌زمینه کارنامه‌اش هم کم‌وبیش کارهایی در این زمینه انجام داده یا در محیط مستندسازی حضور داشته اما علاوه بر این‌ها رضایی یکی از انگشت‌شمار بازیگران سینمای ایران است که ارتباطش با سینمای مستند مستقیماً به نقش‌هایی که بازی کرده بازمی‌گردد. در سینمای ایران فیلم‌های داستانی زیادی با داشتن شخصیتی مستندساز در بطن قصه ساخته نشده‌اند ولی حبیب رضایی فرصت حضور در یکی از آن‌ها را داشته است: «قصه‌ها» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد. رضایی در فیلم بنی‌اعتماد نقش مستندسازی را ایفا می‌کند که روایتگر مشکلات کارگران است. از آن طرف یک نفر دیگر هم مهمان نشریه روزانه جشنواره حقیقت شد. روزنامه‌نگار، مجری، نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردانی که هم مستند ساخته و هم جنس کارهایش به گونه‌ای است که نزدیکی زیادی با دنیای مستند دارد. منصور ضابطیان مهمان دوم ما در روز پنجم جشنواره بود. رضایی و ضابطیان هر دو در حالی مهمان جشنواره شدند که مثل باقی مهمان‌ها در اوج مشغله و گرفتاری کارهای روزانه خود به سر می‌بردند و فقط نام مستند و مبحث مستندسازی باعث شد دقایقی خود را همه کارهای روتین خود فارغ کنند و به سینما فلسطین بیایند.

مشروح گزارش در صفحات ۸ و ۹



Interview

No.5 Thurs, 4th Dec 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7

Misunderstandings of the Truth

Ahmad Zabeti Jahromi, one of the jury members of the 'National Competition' section, talks on the quality of this year's films and their strengths and weaknesses. He is one of the most leading figures of documentary cinema. Although he does not mention any name, Zabeti Jahromi makes an overall remark about the whole films. "In my opinion, our full-length documentaries have achieved a great improvement in terms of quality, while short one seem really impotent and ineffective," he explains.

کیفیت فیلم‌های پرتره را چگونه دیدید؟

ما در بخش مستند پرتره ضعف آشکاری داریم. اغلب این آثار ضعیف‌اند. نکته مهم در این آثار آن است که باید دست‌مایه‌هایی واقعی شخصیت‌ها و جنبه‌هایی که شخصیت را معرفی می‌کنند پرورش یابند و سپس با برداشت مستندساز، به نمایش درآید. در مستند پرتره‌ها، ما با روایت مستقیم و ارائه اسناد درباره زندگی شخصیت‌ها روبه‌روئیم. غالباً مستندها از طریق مصاحبه با شخصیت و افراد پیرامون او ساخته شده‌اند. فیلمساز خود فاقد نگرش است. گویی باید با موضوع خنثی برخورد کند و ما فهم فیلمساز را از شخصیت در مستند پرتره‌ها نمی‌بینیم.

ورک‌شاپ‌هایی که در حاشیه جشنواره برگزار می‌شود می‌تواند در این زمینه‌ها به پیشرفت مستندسازان کمک کند؟

بله، ورک‌شاپ‌ها می‌توانند به مستندسازان بینش و نگرش بدهند. برگزاری آن‌ها از نظر من مثبت و پسندیده است. البته تعداد محدودی از مستندسازان می‌توانند از ورک‌شاپ‌ها استفاده کنند. مشکلی که در حال حاضر در عرصه مستندسازی وجود دارد و قبل‌تر به آن اشاره کردم، در سطح ملی مطرح است و باید تمام مستندسازان آموزش‌های لازم را درباره ساخت مستند ببینند.

شاید یکی از دلایل بی‌رغبتی مستندسازان، عدم نمایش عمومی آثار باشد. مستندساز با تلاش و هزینه بسیار، اثری را خلق می‌کند ولی امکان نمایش آن را پیدا نمی‌کند.

مستند یک فرم ملی و سرزمینی ماست. هنر سرزمین ما را بیان می‌کند و بر مضامینی چون ایران‌شناسی تکیه دارد. مستند فرهنگی بومی و ملی ایرانی‌هاست. همین موضوع کافی است تا بر نمایش عمومی این آثار همت بیشتری بگذاریم. این آثار نه فقط از تلویزیون بلکه در سینماها و برای عموم مردم ایران باید پخش شود. با نمایش عمومی این آثار مردم نه فقط با مسائل اجتماعی روز و نگرش فیلمساز و دغدغه او آشنا می‌شوند، بلکه شناخت جامعی نسبت به گذشته، تاریخ و میراث خودشان نیز به دست می‌آورند.

از میان آثار ارائه شده به جشنواره حقیقت، برای کدام بخش از آثار، شانس بیشتری برای نمایش عمومی قائل هستید؟

به طور کلی بخش مستندهای بلند و تعدادی از مستندهای نیمه بلند قابلیت نمایش عمومی دارند. در بخش مستند کوتاه به خاطر کم‌تجربگی فیلمساز و ضعف مستند، کمتر اثری است که از نظر من بتواند این امکان را داشته باشد.

به نظر شما جشنواره حقیقت می‌تواند در جهت حرکت روبه‌جلوی مستندسازان موثر باشد؟

بله. از این جشنواره باید حمایت شود. امکانات اجرایی این جشنواره باید تکمیل شود. همچنین روش‌های تشویقی مستندسازان باید افزایش یابد. از این طریق و افزایش حضور مستندسازان، می‌توان امیدوار بود تا این جشنواره خدمات علمی، پژوهشی و آموزشی بسیاری به مستندسازان در سراسر ایران ارائه دهد.

Special Guests of the Festival

Habib Rezaei and Mansour Zabetan appeared in the 5th day of Cinema Verite film festival in Felestin cinema. In an exclusive interview with the daily magazine, they talked about their interest in documentary cinema. Rezaei among the handful of Iranian actors whose relation with documentary cinema directly goes back to the roles he has played. In 'Stories' by Rakhshan Bani-Etemad, he plays the role of a documentary filmmaker. Zabetan is also an Iranian journalist, tv host, writer, producer and director, who has made documentaries as well. His works have strong ties with the world of documentary.



حامد خورشیدی انشریه روزانه



گفت‌وگوی ویژه



حقیقت

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران

علاقه‌مندان سینمایی مستند هستند اما به دلیل نبود فضای مناسبی برای دیدن آثار مستند همیشه حسرت به دل دیدن مستندهای مختلف از مستندسازان ایران و جهان بوده‌اند و شاید اگر قرار باشد تنها و تنها یک فایده مهم بودن و لزوم بقای جشنواره مستند نام برد از بین رفتن همین حسرت‌ها برای مخاطب ایرانی است.

لزوم گسترش قضا برای نمایش آثار مستند

مرتضی زقاق کریمی معاون فرهنگی مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی به استقبال رضایی می‌آید پس از سلام و احوالپرسی مرسوم، رضایی به شوخی می‌گوید که شرمند است امسال کمتر این اطراف اقامتی شده، زقاق کریمی هم با لبخند برای همین حضور کوتاه و از رش نهادن به جشنواره تشکر می‌کند و در ادامه صحبت‌هایش نام و ساعات پخش یک سری از فیلم‌های قابل توجهی که قرار است در روزهای

ما را بد جور یاد شد شخصیت عباس با بازی حسین رضایی در «آژانس شیشه‌ای» می‌انداخت، ولی با اینکه حاج کاظم آژانس شیشه‌ای (پرویز پرستویی) در ارتباط مستقیم با افساری بود اما از عباس این فیلم خبری نبود، از رضایی پرسیدیم چرا هیچ وقت به سراغ افساری نرفت و او جواب جالبی داد. گفت مهم‌ترین نکته در خصوص این عزیزان این است که صدايشان به گوش دیگران برسد چه فرقی می‌کند این صدا را چه کسی برساند؟ آقای پرستویی به خوبی حرف او برای گوش‌های که تا آن روز شنیده بودند فریاد زدند شاید اگر من هم می‌خوانستم کاری کنیم آن وقت این تصور اشتباه به وجود می‌آید که می‌خواهم از این موقعیت به دست آمده به نفع خودم استفاده کنم، این شش که وقتی دیدم همه چیز خوب پیش می‌رود ترجیح دادم کنار بایستم تا جایی در این زمینه ایجاد نشود رضایی به عنوان آخرین کلام از اینکه او را به جشنواره دعوت کردیم تشکر می‌کند و ما هم از این که

طبیعتا ساخت هر چیزی که مدنظر تو باشد هم بر پایه همین تاثیر پذیری‌ها اتفاق می‌افتد. خصوصا از نگاهت به جهان هستی، من همین طور که در خیابان راه می‌روم دور و برم را نگاه می‌کنم البته نه آگاهانه بلکه به صورت کاملاً ناخودآگاه به خاطر اینکه سال‌هاست روزنامه‌نگاری به من یاد داده که حواسم به همه چیز باشد، یکی از خواص روزنامه‌نگاری این است که تو ملدام در حال جست‌وجوی اطراف هستی این خاصیت ناخودآگاه باعث می‌شود همه چیز که رنگ و بوی مستند دارد برای تو جذاب شود و به دنبالش باشی، تاثیری هم که از همه این‌ها می‌گیری در تک‌تک کارهایت ناخودآگاه نمایان می‌شود. چه کارهای تلویزیونی و تصویری و چه کارهای مکتوب.»

تاثیر پذیری ملدام از مستندها

یکی از موفق‌ترین مستندهای سفرنامه‌ای سال‌های اخیر

مستند بود به نام «موج دره‌های» که با نگویم با سیرال «جوهری در قمر» حساسی خودش را در دل همه جا کرده بود ضابطیان به کره می‌رود، با نگویم مصاحبه می‌کند و مخاطب ایرانی را با پشت صحنه و لو کشش‌هایی آن سیرال بیشتر آشنا می‌کند.

این مستند سفرنامه‌ای به شدت مورد استقبال قرار گرفت. اما سوالی که از او می‌پرسیم این است که عموماً وقتی در حال حرکت در مسیر مستند است بیشتر از همه چه چیزهایی را این مستند به او کمک می‌کند یا او به عنوان الگو از آن استفاده می‌کند، پاسخ ضابطیان به این سوال کمی ژورنالیستی دارد: «من خیلی وقت‌ها با این پرسش مواجه می‌شوم که چه کسی در زندگی پیش از همه روی تو تأثیر گذاشته است، یا از چه کسی یا چه چیزی در کارهایت الگو می‌گیری و من هیچ‌وقت جواب مشخصی برای این پرسش ندارم به این دلیل که تو ممکن است در کار مستند و کلام در همه کارهای زندگی‌ت به شکل ذره ذره یا قطره‌ای از هر چیزی که اطراف تو وجود دارد درهای تأثیر گرفته باشی که مجموعه اینها تبدیل شده به شخصیت تو و آنچه که داری. حوزه کار ما و حوزه مستند هم همینطور است. به هر حال تو وقتی متضلع به جریان اطلاعات هستی به شکل لا ینقطع در مستند زندگی می‌کنی، وقتی گزارش‌های مختلف با موضوعات متنوع را در کانال‌های مختلف تلویزیون می‌بینی یا همین مطالب عادی و گزارش‌های روزانه روزنامه‌ها یا مجله‌ها و سایت‌ها را نگاه می‌کنی آن‌ها تأثیر می‌گیرند، من هم از این قاعده مستثنی نیستم مطمئن باش که همه آن چیزی که در زندگی‌ام دیده‌ام که مستندهای مختلف هم چیزی از آن هستند و از طرفی شامل زندگی در فضای مستندگونه امروز هم می‌شود روی من تأثیر گذاشته و همچنان هم می‌گذارد.» به همین دلیل است که ضابطیان معتقد است مستندسازی پویایی عجبی دارد که دلیلش همین است. فیلم جدیدی قرار است شروع شود و ضابطیان در دل می‌کند که گویان تمام شود و بروید به فیلم دیدنش برسد ما هم حرفمان را تمام می‌کنیم تا طرفدار پیر و پانرس مستند به علاقه‌اش برسد.



با تمام مستندسازی این فرصتی هر چند نوسان را در اختیار بشر به روزانه گذاشت از او تشکر کردیم. رضایی رفت و ما به سراغ ضابطیان رفتیم تاگی کوتهای هم یا او داشته باشی.

و

ژوناالیسم و مستندسازی
ضابطیان در جشنواره است که فیلم ببیند. دوست دارد پیش از این که سرگرم صحبت با این و آن باشد خیلی آرام و بی صدا به سالن‌ها برود و به نمایش ایران و جهان مستندسازی ایران که سال‌هاست بنشیند. ضابطیان که سال‌هاست مجری تهیه کننده و کارگردان برنامه پر طرفدار «رادپو هفت» است فراتر از بزرگی با مستند دارد. طراحی برنامه رادیو هفت هم به گونه‌ای است که هر چند گاهی نمونه سفرنامه‌هایی تصویر می‌پخش می‌شود. خوب او هم به شدت علاقه‌مند به سفرنامه است، چه تصویری و چه مکتوب. علاقه ضابطیان به بخش مستند خصوصاً در این زمینه‌ای که گفتم نقد زیاد است همیشه رگه‌های پررنگی از نگاه مستندگونه در آثارش دیده می‌شود. ضابطیان دلیلش را این گونه توضیح می‌دهد: «اگر تو آنم توریف مشخصی برایش بدهم شاید این علاقه پیشه در ژوناالیسم دارد و علاقه‌مندی و سابقه من در روزنامه‌نگاری، وقتی در روزنامه‌نگاری گزارش نویسی می‌کنی مرتب‌تاری در دل واقع مستند قدم می‌گذاری و طبیعتاً است که در این شرایط این واقع‌روی توریف می‌گذارد و آن‌ها تأثیر می‌گیرند و حتی شاید در بعضی مواقع روی آن تأثیر هم می‌گذارد.»

ژوناالیسم و مستندسازی
ضابطیان در جشنواره است که فیلم ببیند. دوست دارد پیش از این که سرگرم صحبت با این و آن باشد خیلی آرام و بی صدا به سالن‌ها برود و به نمایش ایران و جهان مستندسازی ایران که سال‌هاست بنشیند. ضابطیان که سال‌هاست مجری تهیه کننده و کارگردان برنامه پر طرفدار «رادپو هفت» است فراتر از بزرگی با مستند دارد. طراحی برنامه رادیو هفت هم به گونه‌ای است که هر چند گاهی نمونه سفرنامه‌هایی تصویر می‌پخش می‌شود. خوب او هم به شدت علاقه‌مند به سفرنامه است، چه تصویری و چه مکتوب. علاقه ضابطیان به بخش مستند خصوصاً در این زمینه‌ای که گفتم نقد زیاد است همیشه رگه‌های پررنگی از نگاه مستندگونه در آثارش دیده می‌شود. ضابطیان دلیلش را این گونه توضیح می‌دهد: «اگر تو آنم توریف مشخصی برایش بدهم شاید این علاقه پیشه در ژوناالیسم دارد و علاقه‌مندی و سابقه من در روزنامه‌نگاری، وقتی در روزنامه‌نگاری گزارش نویسی می‌کنی مرتب‌تاری در دل واقع مستند قدم می‌گذاری و طبیعتاً است که در این شرایط این واقع‌روی توریف می‌گذارد و آن‌ها تأثیر می‌گیرند و حتی شاید در بعضی مواقع روی آن تأثیر هم می‌گذارد.»

ژوناالیسم و مستندسازی
ضابطیان در جشنواره است که فیلم ببیند. دوست دارد پیش از این که سرگرم صحبت با این و آن باشد خیلی آرام و بی صدا به سالن‌ها برود و به نمایش ایران و جهان مستندسازی ایران که سال‌هاست بنشیند. ضابطیان که سال‌هاست مجری تهیه کننده و کارگردان برنامه پر طرفدار «رادپو هفت» است فراتر از بزرگی با مستند دارد. طراحی برنامه رادیو هفت هم به گونه‌ای است که هر چند گاهی نمونه سفرنامه‌هایی تصویر می‌پخش می‌شود. خوب او هم به شدت علاقه‌مند به سفرنامه است، چه تصویری و چه مکتوب. علاقه ضابطیان به بخش مستند خصوصاً در این زمینه‌ای که گفتم نقد زیاد است همیشه رگه‌های پررنگی از نگاه مستندگونه در آثارش دیده می‌شود. ضابطیان دلیلش را این گونه توضیح می‌دهد: «اگر تو آنم توریف مشخصی برایش بدهم شاید این علاقه پیشه در ژوناالیسم دارد و علاقه‌مندی و سابقه من در روزنامه‌نگاری، وقتی در روزنامه‌نگاری گزارش نویسی می‌کنی مرتب‌تاری در دل واقع مستند قدم می‌گذاری و طبیعتاً است که در این شرایط این واقع‌روی توریف می‌گذارد و آن‌ها تأثیر می‌گیرند و حتی شاید در بعضی مواقع روی آن تأثیر هم می‌گذارد.»

جدائیت نهفته در هر ژانر مستند

از ضابطیان می‌پرسیم در میان این همه مستندی که می‌بینید بیشتر به کدام یک از ژانرهای مستندسازی علاقه‌مند است. جواب جالبی می‌دهد: «منی توانم به شما نگویم که مستندهای علمی یا تاریخی یا هنری دیگری، مثلاً نام هست که یک بار نشستم مستندی یک ساعت و خورده‌ای درباره شست‌وشوی فیل‌ها تماشا کردم موضوعی که مثلاً به نظر خیلی‌ها حقیقتاً نه‌آید که یک ساعت و نیم وقت را بگذاری که مثلاً به نظر خیلی‌ها حقیقتاً نه‌آید که یک ساعت و نیم وقت را بگذاری که مثلاً به نظر خیلی‌ها حقیقتاً نه‌آید که یک جوش دعوت می‌کرد و تو نمی‌توانستی مقاومت کنی طبیعتاً نوع جنس کار من باید به مستندهای اجتماعی نزدیک تر باشد و علاقه‌مندی بیشتری داشته باشم ولی از هم واقعاً نمی‌توانم مطلقاً بگویم مستند اجتماعی، خیلی از مستندهای اجتماعی هستند که در واقعاً نشان هم نمی‌تواند آدم را جذب بکند و مستندهایی هم هستند که هیچ‌موضوع خاصی را مطرح نمی‌کنند ولی اینقدر شیرینند و باروری روایات را با طایر فرار کند که تو نمی‌توانی در مقابلش بی تفاوت باشی.»



مشکل اصلی بخش تولید است نه سوژه

ضابطیان یکی از کسانی است که به دلیل ساخت مدام برنامه‌های تولیدی با موضوعات متنوع که مستندهای هم جزئی از آن است حساسی در این‌گونه زمینه‌ها تجربه دارد به همین دلیل به خوبی می‌تواند بگوید مشکل اصلی مستندسازی کدام است: سوژه‌تاری و اجاره مطرح کردن موضوعات یا تولید. او اگر مدت‌هاست این جواب را حفظ است خیلی سریع می‌گوید: «بخش تولید. ما در این سال‌ها یاد گرفته‌ایم که خطوطی که در بازار وجود دارند و روز بعد از جشنواره در این‌گونه به خط قرمزها آسمانی بخورد یا بخوراهیم جامعه را به هم بریزد. ولی شرایط تولید شرایط سخت‌تری شده به لحاظ زمانی برای ما که باید وقت بگذاریم و هم به لحاظ بودجه و هزینه کار سینما و به خصوص ساخت مستند کار گران‌هست طبیعتاً هزینه وقت می‌برد و باید بی آن راه تین بیاییم ولی امیدوارم شرایط روز به روز برای ساخت آثار مستند مسیر هموارتر شود.»



از حبیب به منظوری
فرصتی دست می‌دهد تا از حبیب رضایی عکاسی کنیم مهمان دیگر ما هم از راه می‌رسد و به جمع ما اضافه می‌شود. منصور ضابطیان که تا به حال کمتر بدون لبخند او را دیده‌ایم، این بار هم طبق همیشه با همان لبخند معروفش با ما سلام و احوال‌پرسی می‌کند. خوش و پیش‌گرم و صمیمی رضایی و ضابطیان چند دقیقه‌ای به طول می‌انجامد و بعد از آن هر دو نفر آماده عکاسی برای این گزارش می‌شوند. کم‌کم حبیب رضایی را بدرقه می‌کنیم تا به ادامه فعالیت‌های روزانه‌اش برسد و بعد به سراغ منصور ضابطیان برویم. اما قبل از اینکه از رضایی خداحافظی کنیم سوالی را که مدت‌ها بود می‌خواستیم در اولین فرصت از او بپرسیم را می‌پرسیم. سال گذشته بود که معمولاً در جشنواره مستندی ساخت به نام حاج کاظمی که در آن پرویز پرستویی به سراغ یکی از جنابان شیمیایی جنگ تحمیلی به نام ناصر افشاری می‌رود، افشاری

تکامل تعامل مستند ایران و جهان
حبیب رضایی ذات وجود جشنواره مستند را بسیار خوب می‌داند. می‌گوید ممکن است جشنواره و ضعف‌های داشته باشد که با توجه به قدمت جشنواره وجود برخی از ضعف‌ها امری کاملاً طبیعی است اما همین که سینمای خوش‌معنی است، به گفته او در مرحله کنونی برگزاری جشنواره تدارک‌گرایی آن بیش از هر چیز اهمیت دارد و به همین علت است که خیلی به کم و زیادهای جشنواره فکر نمی‌کند و فقط امیدوار است اصطلاحاً چرخ جشنواره هر سال بچرخد تا مستند و مستندسازی هر چه بیشتر به جایگاه واقعی‌اش نزدیک شود. رضایی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جشنواره مستند را حضور سلیق مختلف و نگاه‌های متفاوت در کنار هم می‌داند و بخش سینمای بین‌الملل را یکی از بخش‌هایی می‌داند که از ارزش و اهمیت بالایی در جشنواره مستند برخوردار است چرا که به گفته او در جشنواره‌های دیگر معمولاً به دلیل معضورت‌های که در ارائه آثار خارجی وجود دارد شاید تعامل بین سینمای ایران و جهان به درستی انجام نپذیرد اما در سینمای مستند خوشبختانه این تعامل به خوبی شکل گرفته و آرام‌آرام در حال رشد و تکامل است. به گفته رضایی ارتباط مخاطب عام با سینمای مستند در حالت عادی سخت است و وجود این جشنواره می‌تواند به خوبی باعث برقراری ارتباط مخاطب با آثار مستندسازان شود. مستندسازی که در زمینه بخش دیده شدن آثارشان همیشه با مشکلات ریز و درشتی دست و پنجه نرم کرده‌اند. رضایی معتقد است بسیاری از مخاطبین سینمای ایران از

AHorse Whisperer

Moein Karimodini portrays the difficulties of a Turkmen horse trainer's life in his full-length documentary named Atlaan. He intended to film the life of an American horse trainer at first, but things changed and consequently his previous decision did. As a historical document, films can record and portray some sections of every land's culture. Likewise in Iran, with so much ethnic diversities, such films have lots of opportunities to be seen. On the other hand, Iranian filmmakers rarely work on these subjects, because of the difficult process of production and lack of sufficient funds and skilled crews.



از لویس فیروز تا مربی ترکمن

معین کریم‌الدینی در مستند «آتلان» زندگی پرفراز و نشیب یک مربی ترکمن و اسبش را روایت کرده است

احمد رضا حجاززاده

am.mehr288@gmail.com

فیلم‌های مستند به عنوان یک سند تاریخی، می‌توانند بخشی از فرهنگ، زندگی و مشاغل هر سرزمینی را ثبت کنند و به تصویر بکشند. در کشور ما نیز که با تنوع و تعدد قومیت، آداب و فرهنگ‌ها روبه‌روست، چنین فیلم‌هایی مجال بسیاری برای عرض اندام دارند اما به دلیل شرایط دشوار تولید، نبود بودجه کافی و نیروی متخصص و ماهر، مستندسازان ایرانی به ندرت سراغ چنین سوز‌هایی می‌روند. مستند بلند «آتلان»، از جمله این آثار است که به حرفه پرورش اسب در منطقه ترکمن صحرا می‌پردازد؛ فیلمی که معین کریم‌الدینی مسیری طولانی را پیموده تا به نتیجه دلخواه برسد. درست مانند روندی که مربیان اسب‌ها برای تربیت و آماده‌سازی شان از ابتدا تا شرکت در کورس‌های اسب‌دوانی طی می‌کنند. کریم‌الدینی تصویربرداری «آتلان» را از آذرماه ۹۱ شروع کرد و در مرداد ۹۲ آن را به پایان رساند. این فیلم در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تهیه شده است. او پیش از این، فیلم «وقتی ایرها پایین می‌آیند» را در هندوستان کارگردانی کرده که یک فیلم آیینی بود. درباره تولید «آتلان» و شرایط فعلی مستندسازی در ایران با کریم‌الدینی گفت‌وگو کرده‌ایم.

ایده نخستین فیلم «آتلان» و دغدغه تولید آن از کجا آمد؟

در دوران دانشجویی سفری داشتم به منطقه ترکمن صحرا و با خانم «لویس فیروز» آشنا شدم. ایشان یک خانم آمریکایی بودند که اسب ترکمن نگه می‌داشتند. آن موقع دلم می‌خواست یک مستند درباره ایشان بسازم، ولی دانشجوی بودم و پول نداشتم. وقتی هم که فارغ‌التحصیل شدم، اولویت‌های دیگری پیش آمد و من آن قدر ساخت فیلم‌ها را به تأخیر انداختم که ایشان فوت کردند. این موضوع مربوط به سال ۷۸ بود. با این حال فرهنگ آن آدم‌ها در سفری که داشتم، دیده بودم. سال ۹۱ تصمیم گرفتم دوباره بروم و همان ایده‌ای را که درباره خانم لویس فیروز داشتم، با یک مربی ترکمن شروع کنم. منتها آن مربی را نمی‌شناختم و پیدا نکرده بودم. بهمن‌ماه سال ۹۰ پژوهشی را در منطقه ترکمن صحرا شروع کردم تا کاراکتری را که می‌خواهم پیدا کنم. در سفرهایی که به همین منظور داشتم، با حدود سی مربی اسب، مصاحبه‌های پژوهشی داشتم اما کسی را که می‌خواستم، بر اساس فاکتورهای مدنظرم پیدا نکردم.

چرا؟ مشکل چه بود؟

دلیل این بود که پرورش اسب در آن منطقه، به طور کامل صنعتی شده و دیگر سنتی نیست. من به دنبال کسی می‌گشتم که اسب را به صورت سنتی نگه‌داری و تربیت کند. در فروردین‌ماه سال ۹۱ کاراکتری را که می‌خواستم، پیدا کردم و با او وارد گفت‌وگو شدم، ولی راضی کردن آدم‌های

بگویید من آماده‌ام و شروع کنیم. بعد در ماه‌های سوم و چهارم و ماه‌های بعدی دیگر خسته می‌شوید. وقتی ۸۰ درصد فیلم تمام شده، ممکن است بگویید حوصله دیدن تان را ندارم. دیگر علاقه‌ای به ساخت این فیلم ندارم. در زندگی این شخص مربی هم چنین مواردی وجود داشت؛ هم برای اسب، هم برای خود مربی. در لایه‌های زیرین این فیلم، چیزهای دیگری هم وجود دارد. مثل این که چرا یک اسب باید برای کورس آماده بشود؟ یعنی چرا حق زندگی طبیعی از یک اسب گرفته می‌شود؟ این موضوع می‌تواند در فیلم دیده بشود یا نشود.

فیلم «آتلان» را براساس کدام ساختار آثار مستند تولید کرده‌اید؟ یعنی آیا با یک فیلم گفت‌وگومحور طرفیم یا فقط با تصویر و نریشن سر و کار داریم؟

نه. در فیلم «آتلان» به هیچ عنوان یک فریم‌مصاحبه هم وجود ندارد. روایت فیلم از دیدگاه یک مربی اسب به نام علی و به صورت اول شخص است.

زمان مستند شما ۶۲ دقیقه است. آیا همین موضوع را نمی‌شد در قالب یک مستند کوتاه‌تر تولید کرد؟ یعنی الان این زمان طولانی، آن قدر جاذبه‌پذیری و اطلاعاتی دارد که تماشاگر را یک ساعت پای خود نگه دارد؟

بله. البته، هرگز نمی‌خواستم فیلمم را در رده مستندهای کوتاه بسازم. حتی از نسخه اولیه فیلم و مجموعه تصاویری که گرفته بودیم، حدود بیست دقیقه کم کردم تا به زمان ۶۲ دقیقه رسیدم. مطمئنم کسی که فیلم را می‌بیند، غیرممکن است متوجه گذر ۶۲ دقیقه زمان بشود.

فیلمی درباره یک مربی و یک اسب

فیلم «آتلان» درباره تربیت یک اسب نیست، بلکه درباره یک مربی و اسب اوست اما اینجا یک اتفاقی افتاده. یک مربی اسب، درست مثل یک ورزشکار است. فکر کنید مسیر یک فوتبالیست را از زمانی که تصمیم می‌گیرد فوتبالیست بشود تا زمانی که وارد لیگ حرفه‌ای می‌شود، می‌بینید. ممکن است چه اتفاق‌هایی برای او بیفتد و چه حاشیه‌هایی را پشت سر بگذارد.

اصل مطلب

مستند بلند



My Favorite Films

Mohsen Khanjehani is present with two different documentaries, 'Report an Interrogator' and 'Freeway', in the 8th Cinema Verite film festival. Once he was known as sports documentary filmmaker and after making a few controversial political films, he became famous as "political documentary filmmaker". Now, he has turned up with two social documentaries which have been well-received by the audiences so far. "They have different stories and there is not any similarity between them. Especially they were edited with two different approaches", he mentions.

Iranian cinema

No.6 - Fri, 5th Dec - 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

آنچه دلم می خواست را ساختم

محسن خانجehانی که با دو مستند کاملاً متفاوت به جشنواره هشتم آمده از «گزارش یک باز پرس» و «آزادراه» می گوید

امید صبوری

s.sabori@gmail.com

در مقطعی به عنوان یک مستندساز ورزشی شناخته می شد و پس از چند فیلم سیاسی جنجالی عنوان «مستندساز سیاسی» پسوند نامش در رسانه ها شد. حالا و در جشنواره هشتم، محسن خانجehانی با دو فیلم اجتماعی به میدان آمده است. باید دید او می تواند عنوان «مستندساز اجتماعی» را هم به کلکسیون القاب حرفه ای خود بیافزاید یا خیر؟ «گزارش یک باز پرس» و «آزادراه» تا همین جا از فیلم های پر مخاطب جشنواره «سینما حقیقت» بوده اند.

چه شد که با دو فیلم به جشنواره هشتم آمدید؛ فرآیند ساخت این دو فیلم همزمان بود؟

بله. قرار تولید هر دو فیلم تقریباً بین اسفند سال گذشته و فرودین امسال بسته شد. هر دو کار هم در آغاز با مشکلاتی مواجه شد. «گزارش یک باز پرس» با اینکه برای قوه قضاییه بود اما در قوه به مشکلاتی خورد. برای «آزادراه» هم با ناهماهنگی و ناهمراهی وزارت راه و بنیاد مستضعفان مواجه بودیم. این روند ادامه داشت تا اواخر اردیبهشت که بالاخره دو کار همزمان آغاز شد. به گونه ای هم بود که انگار با هم باید جلو می رفتند! اگر جلوی یکی گرفته می شد آن یکی هم به مشکل می خورد. تا تیرماه فیلمبرداری هر دو طول کشید. اما از آنجا که ایمان داشتم دو فیلم به جشنواره می رسد مردادماه برای هر دو فیلم فرم پر کردیم.

این هم زمانی در جهت گیری روایت ها تاثیری نداشت؟

این دو داستان مثل هم نبودند و هیچ همخوانی با هم نداشتند. به همین دلیل تشبیه فکر به همراه نداشتند. هیچ نکته ای نبود که ذهن ما را به هم بریزد. به خصوص که تدوین هر فیلم با یک تدوین گر متفاوت با نگاه متفاوت بود. به همین دلیل تاثیری بر کلیت روایت هم نداشتند.

اشاره داشتید به عقد قرار داد برای این دو فیلم؛ هر دو سفارش بود یا ایده اولیه متعلق به خودتان بود؟

دقیقاً دو سال پیش و زمانی که «صندلی ۲۵۷» را ساختم در یک برنامه تلویزیونی حاضر شدم و آنجا بود که گفتم دوست دارم «آزادراه» را بسازم. آزادراه تهران - شمال دغدغه سال های قبل من است. درباره «باز پرس» هم

می بینیم که در انتها فیلم با این سائبه مواجه می شود که نکند اینها هم ناموفق باشند.

با توجه به همکاری با مراکز دولتی در روایت مستند دلخواه خود با مشکل مواجه نشدید؟

مرکز گسترش که نه فقط درباره من که در قبال همه فیلمسازان هیچ گاه در کارها دخالتی ندارد. درباره قوه قضاییه هم از آنجا که اصل فیلم پیشنهاد من بود هیچ کس به من نگفت چه باید بکنم یا نکنم. تمام آنچه دلم می خواست را ساختم و شاید به همین دلیل خیلی به ایده آل نزدیک شدم و آنچه می خواستم را ساختم. فقط درباره وزارت راه و بنیاد مستضعفان از آنجا که به صورت مشترک روی پروژه تهران - شمال کار می کنند هیچ وقت معلوم نبود که متولی چه کسی است. نامه های این مسئله موجود است. آن همکاری که باید می شد برای فیلمبرداری از برخی نقاط مهم واقعات اتفاق نیفتاد.

از نظر مخاطب شناسی این دو مستند چه شباهت یا تفاوتی دارند؟

به همین دلیل برای نخستین نمایش فیلم از نمایندگان مجلس دعوت شده بود. باید این مستندها برای مدیران ارشد به نمایش گذاشته شود شاید حکم یک تلنگر را داشته باشد. هدف ما به عنوان فیلمساز می تواند همین باشد. اینکه تلنگری به مسئولان بزنیم تا شاید حرکتی در راستای رفع یک مشکل داشته باشند. البته قرار نیست هیچ مسئولی چه در زمان حال و چه در گذشته رازیر سوال ببریم؛ اما باید به سمت رفع مشکل برویم.

سال ها بود که می خواستم مستندی در این زمینه بسازم اما امکانش فراهم نمی شد تا اینکه مرکز رسانه ای قوه قضاییه افتتاح شد که دستور کارش حمایت و تولید آثار هنری مرتبط با معضلات اجتماعی است. بلافاصله به مرکز پیشنهاد دادم و آنها هم استقبال کردند. در مجموع به موضوع هر دو فیلم علاقه مند بودم. اتفاقاً برخی می گفتند چرا بعد از چند فیلم سیاسی ناگهان سراغ مستند اجتماعی آمده ای. مانند مقطعی که فیلم ورزشی می ساختم و همین فضا برایم بود. می خواستم سراغ سینمای اجتماعی بیایم که به این دو سوژه رسیدم.

در «آزادراه» هم با توجه به موضوع سیاسی و اقتصادی آن باز هم زاویه نگاه تان اجتماعی بود؟

قرار بود این مستند اجتماعی باشد اما فیلم خود به خود به سمت سینمای سیاسی گرایش داشت. راش هایی که از آرشیو استفاده کردیم از نقش روسای جمهور در این پروژه و وعده ها روایت داشت. پایان فیلم هم با دولت آقای روحانی تمام می شود که وعده برای افتتاح فاز اول تا دو سال آینده مطرح می شود! در طول فیلم آنقدر ناامیدی

اصل مطلب

فیلمسازی برای مردم و مسوولان

«گزارش یک باز پرس» فقط برای مردم ساخته شده و خوشبختانه مخاطبان خود را جذب کرده است و دیدید که چه جمعیتی در روز اول جشنواره برای تماشای آن آمده بود. هر چند در ۱۰ دقیقه اول برخی از سالن بیرون رفتند اما دیگر ندیدم تا پایان ۸۰ دقیقه کسی خارج شود. اساساً مخاطب سوژه های ملتپسندی مانند این فیلم را دوست دارد. «آزادراه» ولی دو گروه مخاطب دارد؛ یکی مردم که ببینند چرا این آزادراه در این همه سال متوقف بوده است. بخش دیگر هم مسئولان هستند.



مستند کوتاه

نام فیلم: قاشق
کارگردان: جلال ویسی
درباره فیلم: مستند «قاشق» ماجرای تنبیه شدن دو کودک باروش داغ کردن را به نمایش می‌گذارد و به عواقب چنین تنبیه‌هایی و تأثیری که بر کودکان می‌گذارد اشاره دارد.



تنبیه داغ کردن

انگیزه ساخت «قاشق»
به روایت جلال ویسی

بچه که بودم همیشه می‌دیدم که برخی از مادران بچه‌های خود را به «تنبیه داغ کردن» تهدید می‌کنند و چندباری هم پیش آمده بود که کودکی در نتیجه شیطنت از سوی مادرش داغ شده بود. من همیشه در آن دوران می‌ترسیدم که مبادا کار اشتباهی انجام دهم یا شیطنتی کنم که مادرم نیز چنین تنبیهی برای من در نظر بگیرد. این فکر همیشه همراه من بود و به قول معروف برایم تابو محسوب می‌شد. گذشت و گذشت تا اینکه به فیلمسازی علاقه‌مند شدم. رفته رفته سر بازی و بعد از پایان آن حدود دو سال فیلم‌ساختم. یک روز که به بیمارستان رفته بودم متوجه شدم بچه‌ای را به بیمارستان آورده‌اند که نامادری اش آلت تناسلی اش را داغ کرده بود! اولش برایم غیرقابل باور و عجیب بود که همچنان این شیوه تنبیه وجود دارد. این ماجرا ۲-۳ ماهی فکرم را درگیر کرد. ضمن این که از این اتفاق یک عکس داشتم و در نهایت تصمیم گرفتم درباره این موضوع که فکرمش از بچگی با من بوده است، فیلمی بسازم. نتیجه فیلم و آنچه تصویر شده درباره ماجرای تنبیه داغ کردن بچه‌ها و به صورت کلی تنبیه و تربیت غیراصولی و نادرست است که با روش داغ کردن انجام می‌شود. این فیلم با ماجرای دو پسر که یکی از سوی پدر و دیگری از سوی نامادری اش تنبیه شدند روایت می‌شود. علاوه بر اینکه به موضوع تنبیه داغ کردن پرداخته‌ام، به اتفاقی که برای شخصیت این کودکان پس از تنبیه رخ می‌دهد و همچنین پرخاشگری که در آن‌ها شکل می‌گیرد، هم نظر داشته‌ام. در واقع مستند «قاشق» علاوه بر تنبیه به مسیری که شخصیت این کودکان پس از تنبیه سیر می‌کند نیز می‌پردازد. هر چند بارها و بارها درباره اثرات سوء تنبیه کودکان گفته و نوشته شده اما معتقدم مستندهایی از این دست تأثیری به مراتب بیشتر دارند. اگر مستند بتواند مخاطب را با خود همراه کند حرفش را هم جا می‌اندازد و می‌تواند تلنگری برای جامعه باشد. همه تلاش ما تلنگری بوده و امیدوارم در این راه موفق بوده باشیم.

جای غربی به نام کافه

نیلوفر سعیدی در «کافه تهران» نگاهی تاریخی به ورود کافه به تهران داشته و این مکان را از منظر جامعه‌شناختی تصویر کرده است

زهره عباسی

abbasi2222@gmail.com

خرده فرهنگ‌های زیادی از این کشور به آن کشور می‌روند، گاهی جای خود را باز می‌کنند و پس از چند نسل هیچ‌کس به یاد نمی‌آورد که مبدأ و مقصد آن کجا بوده است، گاهی پذیرفته می‌شوند اما تغییر می‌کنند و به قول امروز ما، بومی می‌شوند اما باز هم کمی رنگ و بوی غربی دارند. کافه‌نشینی هم یکی از همین خرده فرهنگ‌هاست که پس از جنگ جهانی دوم و بارفت و آمدن روشنفکران به خارج از کشور، به ایران پای گذاشت. این که کافه‌نشینی در ایران چگونه ظهور ماندگار شد و شکل و سیاقش چگونه بوده، موضوعی است که نیلوفر سعیدی در مستند «کافه تهران» به آن پرداخته است.

می‌کنند.

از مقایسه کافه‌نشینی در ایران و غرب به چه نتیجه‌ای رسیدید؟

به نظر من به دلیل شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی جوان‌ها در غرب به مکان‌هایی چون دیسکو و بار می‌روند و کافه ویژه افرادی با سن و سال تر است اما در ایران مشتری کافه‌ها بیشتر جوانان هستند که تمایل دارند گپ و گفتشان را به جای هر جای دیگری در کافه برگزار کنند.

چرا علاقه‌مند شدید در این باره فیلم تولید کنید؟
خودم اهل کافه رفتن هستم. یک کار پژوهشی نیز در این باره انجام شد که من در آن همکاری داشتم. تهیه‌کننده مستند نیز این موضوع را دوست داشت و تصمیم گرفتیم به آن یک نگاه جامعه‌شناختی داشته باشیم.

خانم سعیدی چرا کافه را به عنوان بستری برای بررسی فرهنگ و ادبیات انتخاب کردید؟

کافه یک پدیده غربی است و فرهنگ کافه‌نشینی در دنیای غرب وجود داشته و از آنجا وارد فضای ایران نیز شده است. در گذشته در ایران مکان‌هایی مثل قهوه خانه داشتیم که معمولاً پاتوق مردان بوده‌اند که در آن قلیان می‌کشیدند، چای می‌خورند و اخبار بینشان رد و بدل می‌شد. اما این فرهنگ در دنیای غرب به این صورت بوده که در کافه قهوه صرف می‌شده و این مکان‌ها معمولاً در اتفاقات سیاسی و اجتماعی دنیایشان نقش مهمی داشته‌اند. بسیاری از انقلاب‌ها و تحولات غرب ریشه در همین کافه‌نشینی‌ها داشته است. در دهه ۲۰ و ۳۰ روشنفکران این فرهنگ را وارد ایران کرده‌اند و اوج کافه‌نشینی را در ایران در زمانی می‌بینم که نشست‌هایی بین «جلال آل احمد»، «صادق هدایت» و سایر بزرگان ادبیات برگزار می‌شده است.

شما این فرهنگ را از چه جنبه‌ای بررسی کرده‌اید؟

سیر تاریخی کافه‌نشینی خیلی وابسته به شرایط اجتماعی است و فیلم در واقعیت یک نگاه تاریخی به پدیده کافه‌نشینی در تهران دارد و شکل‌گیری کافه و همچنین نگاهی به دریافت شهروندانی که امروز اهل کافه رفتن هستند. بیشتر می‌خواستیم درک کنیم چرا آدم‌ها به این مکان عجیب می‌آیند و حسشان به آن چیست. در کنار همه این‌ها خواستیم یک مقایسه‌ای هم بین فرهنگ کافه‌نشینی در ایران و غرب داشته باشیم.

به چه برداشتی از این فرهنگ رسیدید؟

جامعه ایرانی یک جامعه جوان است و به دلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی جوان‌ها تمایل بیشتری به کافه رفتن دارند زیرا به نظر می‌رسد در این مکان احساس امنیت بیشتری دارند و کافه را چون یک پناهگاه می‌بینند. همچنین خود کافه یک مکان عجیب است؛ خصوصی نیست اما آدم‌ها در این مکان عمومی اجتماع خصوصی برگزار می‌کنند و بیشتر از اینکه برای خوردن به کافه بیایند، می‌آیند که از نظر روانی اقیان شوند. شاید اولین دیدارها و آخرین دیدارها و بسیاری از این اتفاقات در کافه‌ها رخ دهد. فکر می‌کنم کافه پدیده بسیار عجیبی است؛ چهار دیواری که می‌تواند با توجه به شرایط خود و چیدمانش به فضایی تبدیل شود که جوان‌ها نوعی احساس خصوصی بودن را در آن تجربه

A Strange Place

Niloufar Saeidi presents a sociological view towards cultural imports and foreign influences of going to cafes. Café goers would like to come to café in order to meet and get in touch with people. They see such place as a shelter in the modern world. Going to cafes in Tehran can be considered as a subculture.

نیچه بلند مستند



Women's Emotion

Reza Farahmand and Fatehem Mousavi tell the story of an emotional relationship between a German girl and an old woman from Busheher (in southern Iran). 'Persouk' is the title of this mid-length documentary meaning 'Swallow' in southern Iranians' dialect. "Making situation documentary poses a big risk; you cannot lead such personages and you cannot manipulate the time of incidents. You should only be conscious and capture the moments", the director said. He also adds, "We made the decision very immediately and on the second day of shooting, we realized that we had only four days left".

Iranian Cinema

No.6 - Fri, 5th Dec - 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

تلور عواطف زنانه

رضا فرهمند و فاطمه موسوی که در «پرسوک» ماجرای ارتباط عاطفی دختر آلمانی و پیرزن بوشهری را به تصویر کشیده‌اند از این تجربه می‌گویند

بنت الهدی صدر

s.b.sadr@gmail.com

«پرسوک» در گویش جنوبی، به معنای پرند مهاجر یا همان پرستوسست. این همان عنوانی است که رضا فرهمند و فاطمه موسوی، در همکاری مشترکشان برای تازه‌ترین اثر مستند خود برگزیده‌اند. مستندی که با نفوذ به قلب یک ماجرای عاطفی، پرده از زیباترین روابط انسانی برمی‌دارد و آن را روی پرده سینما به نمایش می‌گذارد.

نیز بسیار جالب بود و به شکل‌گیری رابطه عاطفی مادر و دختر در میان پرسوناژها منجر شد.»

همدلی، هیچ مرز و خطی را بر نمی‌تابد فاطمه موسوی دیگر کارگردان پرسوک نیز سوژه این مستند را اتفاقی بکر می‌خواند و آن را فرصتی می‌داند که نباید از دست می‌رفت: «در مستندهای موقعیت، هوشمندی نیاز است و رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی درست‌تر از هر تصویر دیگری از کار درمی‌آیند. در واقع هر اتفاقی را که محیط به وجود آورد بهتر و درست‌تر خواهد بود و در این مستند، تمام اتفاقات همان چیزی بود که بدون دخالت بیرونی رخ داد.» این مستندساز با اشاره به فضای زنانه فیلم، دغدغه‌هایش را در شکل‌گیری رابطه میان پرسوناژهای برمی‌شمارد: «ارتباط میان زن جنوبی و دختر آلمانی، روندی طبیعی داشت که البته در خطه جنوب و با توجه به ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی آن‌ها، اتفاق شگفت‌انگیزی نیست. این رابطه، ارتباطی بداهه است که لایه‌های زیرین و دیدنی دارد. همیشه شنیده‌ایم که همدلی از هم‌زبانی بهتر است و این به قدمت همدلی در بشر برمی‌گردد. همدلی این قدر تاریخی است که با هیچ‌یک از اختراعات بشر قابل قیاس نیست؛ موضوعی است که در هیچ مرحله و مرتبه‌ای از ارتباطات اجتماعی نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.»

دختر را برایش ترجمه کنیم! این مستندساز، سفر زن جنوبی به کربلا و تنها ماندن یودیت، دختر آلمانی قصه را، پایانی غیرمنتظره برای تماشاگر می‌خواند: «در هر لحظه از فیلم به نظر می‌رسد که دختر، مادر را ترک می‌کند، اما آنچه رخ می‌دهد، سفری است که یودیت را تنها می‌کند و پایان بخش داستان ۳۷ دقیقه‌ای پرسوک می‌شود.»

۳۰ سال محرومیت از دیدار فرزند

فرهمند در این فیلم از جدایی می‌گوید؛ رخدادی که برای مادری جنوبی که ۳۰ سال از داشتن فرزند محروم بوده، امری درونی است و در پایان شکلی ظاهری پیدا می‌کند و برای یودیت، دختری که مادرش را سال‌هاست از دست داده و به ایران آمده است، تعلق خاطر عمیق را خلق می‌کند: «اغلب از آلمانی‌ها به عنوان آدم‌هایی سرد یاد می‌شود و در عوض مردم جنوب سرزمینمان، به افرادی خون‌گرم، مهربان و مهمان‌نواز شهره‌اند؛ مواجهه این تضاد در پرسوک، نقطه عطفی است که حتی برای ما

داستان از این قرار است که فرهمند و موسوی برای اجرای پروژه‌ای راهی استان بوشهر می‌شوند، اما پس از آشنایی با زنی ماهی‌فروش در شهر «دیتر» و دیدن رابطه عاطفی‌اش با دختری آلمانی، در یک تصمیم ناگهانی، فیلمبرداری کاری تازه را کلید می‌زنند و این تصمیم ناگهانی، به ساخت «پرسوک» منجر می‌شود. وقتی با رضا فرهمند هم‌کلام می‌شویم، خدا را شکر می‌کند که روند ساخت فیلم به خوبی پیش رفته و تجربه‌ای تازه در کارنامه مستندسازی‌اش رقم خورده است: «ساخت مستندهای موقعیت، ریسک بالایی دارد؛ پرسوناژهای فیلم‌هایی از این دست، قابل هدایت نیستند و در زمان وقوع رویدادها نمی‌توان دخالت کرد. فقط باید هوشیار بود و موقعیت‌ها را شکار کرد. در پرسوک، ما خیلی سریع تصمیم گرفتیم و روز دوم فیلمبرداری بود که فهمیدیم برای ادامه کار فقط ۴ روز وقت داریم. چراکه مادر قصه، راهی کربلا بود؛ این موضوع از یک طرف موقعیتی پیش‌بینی نشده برای پایان فیلم بود و از طرف دیگر ریسک کار را بالا می‌برد.»

در فراز و فرود تضادی درونی

کارگردان پرسوک، ساخت این فیلم را اتفاقی خوب در سینمای مستند می‌داند و یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن را تبیین و نمایش روابط عاطفی میان انسان شرقی و غربی عنوان می‌کند: «در این فیلم در مواجهه «یودیت» و زن ماهی‌فروش، بدون هیچ دیالوگی که به زبان مشترک باشد و تنها در سایه یک همدلی ملموس، شاهد شکل‌گیری لحظه به لحظه رابطه‌ای عاطفی هستیم؛ تنها در یک پلان است که زن جنوبی رو به دوربین می‌کند و می‌خواهد تا کلام

بهترین شکل از عواطف زنانه

از نگاه موسوی، اتفاقات عاطفی در این فیلم به قدری سریع روی داد که حتی گاه عوامل سازنده نیز متعجب می‌شدند: «شفافیت ارتباط عاطفی میان پرسوناژهای پرسوک، گاهی برای خودمان هم غیرقابل باور بود. معتقدم لازم است برای دیدن واقعیت درون انسان‌ها، مرزبندی‌های جغرافیایی را کنار بگذاریم و خالصانه آنچه را اتفاق می‌افتد شاهد باشیم. «پرسوک» که روایتگر بهترین شکل از عواطف زنانه است، هیچ مرز و خطی را بر نمی‌تابد و این نقطه عطفی است که شاید بر دل مخاطب بنشیند. این فیلم پیشکش به تمام مادران و زنان سرزمینی است که در بحرانی‌ترین شرایط دلسوزانه و مدارانه می‌زیند.»

اصل مطلب

در ژست گرفتن هم حقیقت وجود دارد

در «رویه عملیاتی استاندارد» قصدم قرار دادن مخاطب در [موقعیت] نوعی واقعیت عجیب و غریب بود. این رویکرد، المانی گمراه کننده در فیلمسازی محسوب می شود. هر تسوک ورنر (فیلمساز آلمانی) هم در «بیانیه مینه سوتا» شروع به صحبت از حقیقتی وجدآور می کند. دقیقاً نمی دانم از چه حرف می زند. اما برداشتی که از فیلم هایش دارم، نوعی «ابزوردیته» وجدآور است؛ اموری که ذات واقعیت و جهانی را که در آن زندگی می کنیم به چالش می کشد. ما تصور می کنیم جهان پیرامون مان را درک می کنیم. فیلم هر تسوک را تماشا می کنیم و به فکر فرو می رویم. و من همواره و همواره به آکار برد این المان احترام گذاشته ام. ابزوردیته وجدآور، یعنی رویارویی با بی معنایی. و به نظرم ما بخشی از «سینما وریته» (سینما حقیقت) را رها کرده ایم. بله، کافی است. به قدر کافی به هدف زده ایم و این حقیقتاً سینما حقیقت است؛ پاسخی برای سال های دهه ۱۹۶۰ و ایرادی هم ندارد. امیدوارم از بابت این که بخشی از آن را به خاک سپرده ایم ضرر نکرده باشیم. وقتی آدم ها می گویند دل شان می خواهد رژیم عوض شود، مثلاً در واشنگتن، خیلی مشتاقم بگویم آن چه ما واقعا نیاز داریم تغییر نوع بشر است. اما گمان نمی کنم وریته (حقیقت) به خودی خود دچار مشکل باشد. همواره ادعاهای عجیب و غریبی درباره بیان حقیقت در سینما وجود داشته است. در این باره باید به مستند محبوبم، «مرد گریزلی»، اشاره کنم که تا اندازه ای براساس رویکرد سینما وریته ساخته شده است. جندی پیش مشغول ساخت فیلمی درباره عکس هایی بودم که از ابوگریب گرفته شدند. و چیزی که درباره عکس ها خیلی برایم عجیب است این است که سوزه ها آگاهانه جلوی دوربین ژست گرفته اند. مانند تیموتی تردول در «مرد گریزلی» که کاملاً آگاهانه خودش را در برابر دوربین به نمایش گذاشته است. او جلوی دوربین نقش بازی کردن در عین حال بخشی از آن چیزی است که در حال ضبط شدن است. بخشی از لحظه وریته است. به همین علت نیز من با این ایده که اگر ژستی در فیلم اتفاق افتاده باشد، غیرواقعی است شدیداً مخالفم، زیرا ژست گرفتن می تواند بخشی از واقعیت آن چیزی باشد که دارید به آن نگاه می کنید.

یادداشت



ارول موریس
مستندساز

Errol Morris



همکاری امیدبخش

نخستین جلسه کارگاه تخصصی «تولید مستند» با همکاری شبکه مستند اروپا (EDN) و با محوریت «به کارگیری راهبردهای روایی در ارائه بهینه طرح مستند» برگزار شد

علی اکبردهبان

Dehban.cinema@gmail.com

در پنجمین روز از هشتمین جشنواره «سینما حقیقت» نخستین جلسه ورک شاپ «به کارگیری راهبردهای روایی در ارائه بهینه طرح مستند» با حضور اووه یانسون، نماینده شبکه مستند اروپا (EDN) برگزار شد. ورک شاپی که قرار است در قالب چهار جلسه دیگر و با حضور اساتید، متخصصان و نمایندگان دیگر این شبکه تا شنبه ۱۵ آذر ادامه پیدا کند. «نکته های کلیدی برای ورود به بازارهای بین المللی»، «ارائه راهکارهای مناسب برای تأمین اسپانسرهای بین المللی» و «چگونگی رسیدن به طرح در آثار مستند» از دیگر سرفصل های مهم و کلیدی این کارگاه های تخصصی هستند. بی شک برگزاری این کارگاه تخصصی فرصتی بی سابقه را برای علاقه مندان و فعالان حوزه مستند فراهم کرده تا از این طریق بیاموزند چگونه می توانند چشم اندازی امیدبخش را در عرصه های بین المللی برای خود و آثارشان ترسیم کنند.

معرفی فیلم های امروز



دهان شیر باز می شود
The Lion's Mouth Opens
امریکا ۲۰۱۴
USA 2014

این مستند کوتاه با نمایش در بیش از ۲۰ جشنواره معتبر بین المللی در سراسر جهان تاکنون افتخارات بسیاری کسب کرده است. لوسی واکر، فیلمنامه نویس و کارگردان این اثر ۱۶ دقیقه ای، جدال شجاعانه یک بازیگر زن اسکاتلندی جوان را در رویارویی با خطر بیماری ارثی و علاج ناپذیر «هانتینگتون» به تصویر کشیده است. واکر، مستندساز شناخته شده امریکایی پیش از این آثاری نظیر «زمین بازی شیطان» (۲۰۰۲)، «شمار معکوس تاسفر» (۲۰۱۰) و «سرزمین برهوت» (۲۰۱۰) را کارگردانی کرده است.



مرد یخی
Frozen Man
اروگوئه ۲۰۱۴
Uruguay 2014

کارولینا کامپو لویسو، کارگردان «خانه نازنین» (۲۰۱۱)؛ این مستند ۸۳ دقیقه ای را نویسندگی، کارگردانی و فیلمبرداری کرده است. «مرد یخی» تصویری تکان دهنده از انسان معاصر را به نمایش می گذارد. گویی زمان ایستاده و وظایف روزانه ای که ما را به ماشین های خودکار بدل ساخته اند، از سویی آخرین نشانه های انسان بودن ما به شمار می روند. فیلم گروهی از سربازان اروگوئه ای را به تصویر می کشد که روی یکی از ناوهای نیروی دریایی این کشور زندگی می کنند و با احساس بیهودگی، خطر مداوم و فرسودگی دست به گریبانند.

EDN Workshop's Beginning

The first session of EDN specialty workshop was held yesterday. Ove Rishoj Jensen, film consultant and EDN's expert led the session and talked on the subject of 'Pitching' as one of the basic principles of producing documentary films. Jensen explained that learning how to pitch appropriately is a crucial thing for a documentary filmmaker. "We should know how to present our plot regarding for whom and in what situation", he mentioned.



اووه یانسون در ابتدای این ورک شاپ درباره نحوه معرفی فیلم به بازارهای جهانی (پیچینگ / Pitching) گفت: یادگیری پیچینگ برای فیلمساز بسیار مهم است. به خصوص که شرایط معرفی فیلم مستند با فیلم داستانی متفاوت است. در مجموع پیچینگ به دو شکل انجام می شود؛ یا در جلسات رسمی و یا در جلسات غیر رسمی. در جلسات رسمی هفت دقیقه برای ارائه طرح خود فرصت داریم. در این هفت دقیقه می توانیم سرمایه گذاران را مجاب کنیم که بر روی پروژه ما سرمایه گذاری کنند.

دیدار غیر رسمی با سرمایه گذار نماینده شبکه مستند اروپا «EDN» در ادامه گفت: اما جلسات غیر رسمی به یکباره برای فیلمساز پیش می آید مثلاً دیدار ناگهانی در یک هتل با افرادی که می توانند در فیلم ما سرمایه گذاری کنند. در آنجا فرصت کمتری داریم تا آن ها را با طرح خود آشنا کنیم. در هر دو صورت باید بدانیم که برای چه افرادی در چه موقعیتی داستان مان را

تعریف می کنیم.

▀ جذابیت فیلم تان را فراموش نکنید

یانسون با اشاره به این که باید بدانیم کدام بخش از فیلم برای گروه شنونده جذاب تر است گفت: «در جلسات رسمی گروه سرمایه گذاران نیز هفت دقیقه فرصت دارند تا در ارتباط با طرح فیلمساز وارد بحث شوند. برای موفقیت در معرفی پروژه خود ابتدا باید اشراف کامل به آن داشته باشیم. باید بتوانیم طرح خود را به خوبی در کوتاه ترین زمانی که در اختیار داریم تعریف کنیم البته نباید جذابیت طرح مان را فراموش کنیم. در حقیقت باید بدانیم کدام قسمت داستان می تواند جذابیت داشته باشد. از جمله می توانیم مسائلی مانند این که مدت فیلمبرداری چقدر طول می کشد، هدف اصلی از ساخت این فیلم چیست، چه گروهی قرار می کشد، در این فیلم با ما همکاری کنند و سرمایه گذاری در آن چه نفعی می توانند ببرند، اشاره کنیم.

▀ معرفی کلاسیک طرح یک مستند

یانسون با بیان این که در جلسات رسمی از سه طریق باید طرح مان را معرفی کنیم گفت: «بهترین ساختار برای ارائه طرح های مان ساختار کلاسیک است. ساختار کلاسیک همان طرح داستان است البته با رعایت نقاط عطف و فراز و فرودهایی که در فیلمنامه وجود دارد. در حقیقت شروع، میانه و اوج را باید در تعریف مان رعایت کنیم.»

▀ پیچینگ؛ قلبی در دست مستند ساز

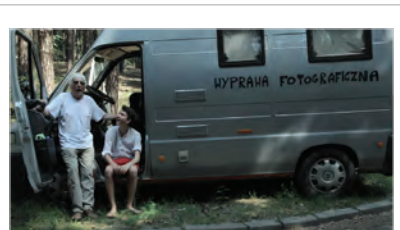
نماینده شبکه مستند اروپا «EDN» به معضلات فیلمسازان در «پیچینگ» اشاره کرد و گفت: «یکی از مشکلات فیلمسازانی که در «پیچینگ» شرکت می کنند این است که خودشان ذهنیت درستی از فیلمنامه ندارند. آن ها نقاط عطف و جذاب فیلم شان را نمی شناسند. «پیچینگ» مانند قلبی است که باید به دست ما باشد تا طعمه را به درستی شکار کنیم. زمانی این اتفاق رخ می دهد که جذابیت را در توضیح طرح مان رعایت کنیم. از دیگر نکات مهم این است که اشاره به موضوعی نداشته باشیم که توانایی ارائه آن را نداریم. غلو نکنیم چرا که این رفتار غیر حرفه ای است اگر کمی ذکاوت به خرج دهیم متوجه خواهیم شد افرادی که به طرح های ما گوش می دهند طرح های مختلف و زیادی را شنیده اند. نکته مهم دیگر این است که ذائقه بازار را در نظر بگیریم بدین منظور که بدانیم چه فیلمی را به چه گروهی معرفی کنیم. باید بازارهای جهانی مختلف را شناسایی کنیم و با سلیقه آن ها آشنا شویم.»

Introduction to Films



▀ ترانه یوسف
Yusef's Song
▀ یونان ۲۰۱۴
Greece 2014

4 این مستند ۷۵ دقیقه ای را کوستاس پیلاکوس، فیلمساز یونانی، کارگردانی کرده و ماجراهای آن وضعیت لیبی را دوران پس از انقلاب را به تصویر می کشد. این فیلم تاکنون در جشنواره های نظیر «تسالونیک» به نمایش در آمده است. پیلاکوس کشوری را نشان می دهد که زیر بار سنگین انقلاب کمر خم کرده و حالا پس از چنین رویداد عظیمی مردمش تلاش دارند کشورشان را بازسازی کنند و دوباره روی پای خودشان بایستند. اگر چه نتیجه عملی این تلاش ها هنوز مشخص نیست، اما این حقیقت باعث نشده مردم لیبی از تلاش و کوشش روزمره دست بکشند.



▀ سفر نامه
A Diary of a Journey
▀ لهستان ۲۰۱۳
Poland 2013

3 پیوتر استاسیک، مستندساز لهستانی این مستند ۵۴ دقیقه ای را براساس زندگی یک استاد سالخورده عکاسی نویسنده و کارگردانی کرده است. «تادئوس رولکه» نام این عکاس پیشکسوت است که به همراه شاگرد ۱۵ ساله اش به سراسر لهستان سفر می کنند و از ساکنان شهرستان ها و روستاها عکاسی پرتره انجام می دهند. برای پسرک نوجوان این بهترین فرصت است تا از رمز و راز عکاسی سنتی سردرآورد. این مستند تحسین شده در جشنواره فیلم مستند لایپزیگ آلمان (DOK) و جشنواره فیلم کراکوف لهستان روی پرده رفته است.

در آرزوی آشنایی بی واسطه

گپی با آن تومه
برنامه ریز جشنواره
فیلم مستند مونیخ

در میان میهمانان خارجی جشنواره که برای نخستین بار به ایران سفر کرده اند، «آن تومه»، برنامه ریز جشنواره فیلم مستند مونیخ (DOK.FEST MUNICH) در گفت و گو با نشریه روزانه با اشتیاق خاصی از حضورش در جشنواره سینما حقیقت صحبت کرد. تومه که خودش مسئولیت برنامه ریزی یکی از مهم ترین جشنواره های فیلم مستند اروپا را برعهده دارد امیدوار است حضورش در جشنواره سینما حقیقت به شکل گیری تعاملی مثبت میان او و مستندسازان ایرانی بیانجامد. این فعال حوزه مستند، جشنواره فیلم مونیخ را یکی از بزرگ ترین جشنواره های اروپایی توصیف کرد که در جریان آن مستندهای نوآورانه و به ویژه مهم ترین تولیدات سینمای مستند از سراسر دنیا به نمایش در می آیند. تومه درباره نحوه آشنایی اش با جشنواره سینما حقیقت توضیح داد: «من از طریق یکی از دوستان فیلمسازم که درباره «سینما حقیقت» فیلمی ساخته بود با این جشنواره آشنا شدم و بسیار کنجکاو بودم که برای حضور در این رویداد هنری به ایران سفر کنم.» تومه که پیش از این با دیگر آثار سینمای ایران آشنایی داشته، در این باره گفت: «تاکنون فیلم های ایرانی زیادی در جشنواره های فیلم آلمان روی پرده رفته اند. در نتیجه من با سینمای ایران تا اندازه ای آشنا هستم، اما مسئله مهم این بود که ارتباط مستقیمی با پخش کنندگان و به ویژه مستندسازان کشورتان نداشتم و مایل بودم این اتفاق شکل بگیرد.» برنامه ریز جشنواره مونیخ گوناگونی سبک و کاربرد مضامین مختلف را از ویژگی بارز آثار مستند ایرانی توصیف کرد. تومه در این باره گفت: «تا این جا که در سطح بین المللی به تماشای آثار ایرانی نشستیم به نظر من تنوع رویکردهای فیلمسازان ایرانی واقعا جالب توجه بوده است.» او از حضور جمعیت قابل توجهی که در روزهای جشنواره به سینما آمده بودند ابراز شگفتی کرد، زیرا بنا بر شنیده های قبلی تصور می کرد مردم تهران در روزهای وسط هفته چندان علاقه ای به سینما رفتن نشان نمی دهند.



روایت کاغذی

روزنامه‌ها درباره جشنواره سینما حقیقت چه نوشتند؟



نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

جشنواره‌های معتبر را فراخوانیم و از فیلم‌های بعدی آنها حمایت کردیم و شرایط فیلمسازی آن را سهیل کردیم و امسال نیز سعی می‌کنیم همین خط‌مشی را ادامه دهیم و حامی خوبی برای سینمای مستند باشیم.»

پیشنهادی فرهنگی

روزنامه‌ها اعتماد در صفحه آخر خود چند فیلم داخلی و خارجی را به عنوان پیشنهاد فرهنگی برای خوانندگان معرفی کرده: «هشتمین دوره جشنواره فیلم سینما حقیقت از ۹ آذر ماه با شعار «حقیقت بهترین راهنماست» آغاز شده و تا ۱۶ آذر ماه در سینما فلسطین و سپیده ادامه خواهد داشت. این جشنواره برای علاقه‌مندان به سینمای مستند فرصت مناسبی است که به تماشای فیلم‌های مستندی بروند که شاید فرصت برای تماشای آنها کمتر پیش بیاید به خصوص که در بخش فیلم‌های خارجی امسال آثار برجسته‌ای اکران می‌شود از جمله ۱۰ فیلمی که در بخش نمایش‌های ویژه پخش خواهد شد.»

گزارش دیدار ایوبی

روزنامه بانی فیلم خبر دیدار حجت‌الله ایوبی رئیس سازمان سینمایی از جشنواره سینما حقیقت را به عنوان تیترو روز گذشته‌اش برگزیده: «خوشبختانه هم سال گذشته و هم امسال استقبال مستندسازان از جشنواره سینما حقیقت چشمگیر بود و امیدواریم فرهنگ دیدن فیلم مستند در این جشنواره و در میان مردم کشورمان به وجود آید و نهادینه شود و مردم لذت دیدن فیلم مستند را ببرند.»

هر روز با جشنواره

پنجشنبه‌ها روز تعطیلی خبرگزاری‌هاست. با این حال همکاران رسانه‌ای توجه‌ای ویژه به اخبار جشنواره سینما حقیقت داشتند و به تناوب آن‌ها را بازتاب دادند. دیروز اما سهم روزنامه‌ها بیشتر از سایت‌ها بود.

ادامه یک خطی مثنی

روزنامه وطن امروز سراغ عباس عمرانی کارگردان «پارکینگ» رفته و او درباره این تجربه گفت و گو کرده است. دیگر گفت‌وگو این روزنامه به سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد دبیر جشنواره اختصاص دارد. دبیر جشنواره در این گفت‌وگو گفته است «ما روال طبیعی در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی داریم که آن را تسریع و تسهیل کردیم و امسال هم همان روند را ادامه می‌دهیم. سال گذشته تمام برگزیدگان

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آرش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی
- مدیر هنری: محمد نیاتی نژاد
- دبیر اجرایی: مرجان فاطمی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش بین‌الملل: آیدا تدرین
- بخش خبری: محمد صابری
- بخش عکس: حامد خورشیدی

- تحریریه: محمد صادق شایسته
- احمد رضا حجاز زاده، زهرا عباسی
- آزاده باقری، شیما انتظاری
- بنت الهدی صدر و علی اکبر دهیان

- عکس: حامد بارچیان
- هدیه میرحسینی و علیرضا تقوی
- صفحه آرای: بتسابه کرم‌پور
- شقایق فاضل
- حروف نگار: مسعود عسگری
- ویرایش عکس: امیر علیزاده
- ویرایش و تصحیح: مهری فدایی مقدم

با سپاس فراوان:

احمد ضابطی جهرمی، حبیب رضایی منصور ضابطیان

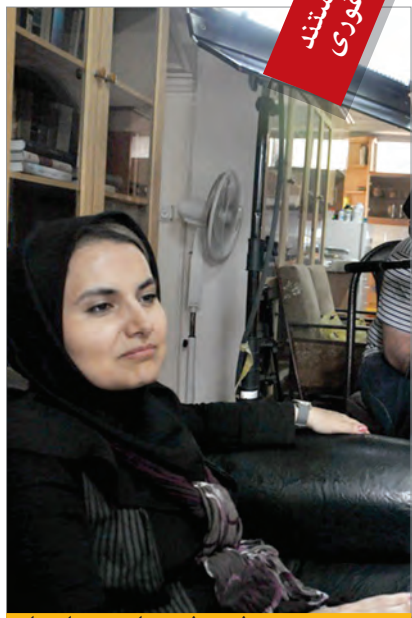
با تشکر از همراهی:

علی اصغر لشنی

فردای اختتامیه

«سینما حقیقت» به روایت پریسا عشقی

از آنجا که جذاب‌ترین و مهم‌ترین بخش هر جشنواره‌ای از جمله جشنواره سینما حقیقت روز نهایی و فرآیند تقسیم جوایز برگزیدگان است، فکر می‌کنم برای ساخت چنین مستندی روی ایام بعد از جشنواره متمرکز شوم. مثلاً فردای اختتامیه دوربین من با دو نفر همراه می‌شود؛ یکی فردی که توانسته نظر داوران را جلب کند و به عنوان مستندساز برگزیده جایزه‌ای را در اختتامیه دریافت کرده است و دیگری مستندسازی که الزاماً فیلمش بد نبوده، حتی شاید بهتر هم بوده اما با نظر داوران برگزیده نشده و احتمالاً از این اتفاق ناراحت است. دوربین من به صورت مشاهده‌گر با این دو نفر همراه می‌شود تا جشنواره سال بعد سینما حقیقت. می‌خواهم با دوربینم ببینم جایزه گرفتن یا نگرفتن در مستندسازی این دو نفر چه تاثیری می‌تواند داشته باشد. اینکه کسی که با این جایزه برجسته می‌شود آیا راهش برای ارائه طرح بعدی و مسائلی مانند جذب اسپانسر واقعاً آسان‌تر می‌شود و می‌تواند راحت‌تر گام‌های بلند بردارد؟ و یا فیلمسازی که فیلم خوبی داشته اما در جشنواره موفق نبوده آیا بیشتر به فکر جبران است تا بعدها حضور بهتری در جشنواره داشته باشد یا کاملاً دل‌سرد می‌شود؟ می‌خواهم بدانم در سال آینده این دو فیلمساز کجای برگزاری جشنواره سینما حقیقت قرار خواهند داشت. بد نیست نگاهی به افرادی داشته باشیم که امروز در جشنواره حضور دارند و ببینیم سال قبل چه جایگاهی داشته‌اند؟ این کمک می‌کند بدانیم این جوایز چقدر در آینده یک فیلمساز می‌تواند مهم باشد؟ البته اصلاً دوست ندارم فیلم پیام داشته باشد اما شاید زیر پوست آن پیامی قابل درک برای مستندسازان جوان‌تری که در جشنواره‌های مختلف دچار دلخوری و دل‌سردی می‌شود و فکر می‌کنند برنده شدن جایزه در یک جشنواره تنها برگ برنده کارنامه آن‌هاست داشته باشد. به عقیده من فیلمساز خوب برگ برنده یک جشنواره است.



ستون ویژه «مستند فوری» فرصتی است برای روایت مهمترین گردهمایی مستندسازان ایرانی به روایت خودشان. این مختصر بهانه‌ای است برای ثبت و مرور روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» از لنز دوربین مستندسازان. طرح مار سیدین به طرح کلی ساخت یک مستند درباره «سینما حقیقت» بود. آنچه در این شماره می‌خوانید ایده پریسا عشقی برای ساخت این مستند است.

فصلنامه‌ای پروپیمان برای مستند

سومین شماره فصلنامه تخصصی سینمای مستند که هم‌زمان با جشنواره منتشر شده، پیشنهاد خوبی برای آن‌هایی است که مایل اند آرشیبوی مطمئن از مفاهیم تنوع یک سینمای مستند داشته باشند. گفت‌وگوی اختصاصی با فردریک وایزمن حاوی نکات جذابی است که این مستندساز مطرح آمریکایی بیان کرده: «وقتی به مدرسه حقوق می‌رفتم هرگز در یک کلاس شرکت نکردم و تمام وقتم را در کتابخانه دانشگاه مشغول خواندن رمان بودم. دوستان جزوه‌هایشان را به من قرض می‌دادند و من در آخرین دقایق باخواندن همان یادداشتهایم می‌توانستم با سختی نمره قبولی بگیرم.» به گفت‌وگوی جناب وایزمن چند نقد و نظر مفصل درباره جنبه‌های مختلف فیلمسازی او و همچنین نقد مستندهایش ضمیمه شده است. پرونده شهر و سینمای مستند دیگر پرونده خواندنی این شماره فصلنامه تخصصی سینمای مستند است.

خبر ویژه

